

# حافظ را بساید

لکشن علی‌نقی گهره‌نام





مقام اصلی گشته خواست لست  
خواش خیر دهار آنکه این عارف نمای

۴

# حافظ را بساید

نگاش  
علینه قی بهروزی



حافظ را بشنا سید : شرح حال حافظ  
تألیف : علینقی بهروزی  
ناشر : کتابفروشی معرفت شیراز  
چاپ اول بسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی  
تاپ از : محمدصادق معرفت  
چاپ : افست مرودی  
صحافی : سپیده  
شماره ثبت کتابخانه ملی

## فهرست مطالب

صفحه	موضوع
ب	۱- منابع و مأخذ کتاب
ج	۲- مقدمه ناشر
د	۳- پیشگفتار
۱	۴- حافظ کیست؟
۸	۵- عقیده مستشرقین در باره حافظ
۱۱	۶- تاگور ، فیلسوف هند بر سر تربت حافظ
۱۳	۷- نسخ دیوان حافظ
۱۲	۸- تفأّل بدیوان حافظ
۱۸	۹- طریقه تفأّل
۲۳	۱۰- مصلی و رکن آباد
۳۰	۱۱- تربت حافظ
۴۵	۱۲- آخرین تعمیرات حافظیه
۶۴	۱۳- حافظیه از نظر دیگران
۶۵	۱۴- بزرگانیکه در جوار حافظ خفته اند
۷۶	۱۵- کتابخانه حافظیه
۸۰	۱۶- مرگ حافظ شناسی

الف

## منابع و مأخذ کتاب

- ۱- فارسname ناصری تأليف : حاج میرزا حسن فسائی
- ۲- آثار عجم تأليف : فرصت الدوله
- ۳- شیراز نامه تأليف : احمد بن ابی الخیر زرکوب
- ۴- دیوان حافظ
- ۵- گلستان سعدی
- ۶- تاریخ گیتی گشا تأليف : میرزا محمد صادق نامی
- ۷- مجله روزگار نو چاپ : لندن
- ۸- نیایش ( گیتانجلی ) تأليف : دکتر محمد تقی مقتدری
- ۹- از سعدی تاجامی تأليف : جناب آقای علی اصغر حکمت
- ۱۰- تاریخ ادبیات ایران تأليف : ادوارد برون
- ۱۱- جهانگشای نادری تأليف : سید عبدالله انوار
- ۱۲- سفرنامه : اوژن فلاندن فرانسوی
- ۱۳- سفرنامه : ادوارد برون
- ۱۴- سفرنامه : تاورنیه
- ۱۵- سفرنامه : دیولا فوا
- ۱۶- شاهد شیراز تأليف : خان ملک ساسانی
- ۱۷- لطیفه غیبی تأليف : محمد دارابی
- ۱۸- فال حافظ تأليف : روحی شیرازی
- ۱۹- دیوان حافظ : پژمان بختیاری
- ۲۰- شیراز تأليف : آقای علی سامی
- ۲۱- هفت اقلیم : امین احمد رازی
- ۲۲- مطالعات و تحقیقات شخصی مؤلف

## مقدمه ناشر

این مؤسسه از مدت‌ها پیش تصمیم داشت که برای زائرین آرامگاه دو شاعر نامی ایران "سعدی" و "حافظ" راهنمائی مفید و مختصر که متنضم شرح حال و تاریخچه آرامگاه آنان باشد تهیه و چاپ نموده و در دسترس زائرین و دانش پژوهان قرار دهد.

برای این منظور بد وست محترم دانشمند آقای علینقی بهروزی مراجعه ایشان اظهار داشتند در طی مدت این چند سال یادداشت‌های درباره این موضوع فراهم شده که در اختیار این بنگاه گذاردند.

این یادداشت‌ها که جلد اول آن بنام "سعدی را بشناسید" و جلد دوم "حافظ را بشناسید" از کتب متعدد و مدارک تاریخی جمع‌آوری شده همان‌طوری که مؤلف محترم در دیباچه اشاره نموده‌اند این دو کتاب پاسخ کوی پرسش‌های زائرین آرامگاه‌ها می‌باشد. امید است که با مطالعه این دو کتاب مخصوصاً دانش آموزان و دانشجویان اطلاعات بیشتری درباره دو شاعر نامی سرزمین خودشان کسب نمایند.

مدیر کتابفروشی معرفت شیراز - حسین معرفت  
شیراز اسفندماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

”جان پر و راست قصه ارباب معرفت“

”رمزی برو بپرس و حدیثی بیا بگو“

### پیشگفتار

در اطراف اشعار و شرح حال واوضاع زمان حافظ و حتی کلمات و اصطلاحات عرفانی که خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی بکار برده و همچنین ندادابی غزلهای منسوب به او و نسخ دیوانهای خطی آن شاعر آسمانی در عرض نیم قرن اخیر کتابهای متعدد و مقالات بسیاری نوشته شده و محققان و دانشمندان به تحقیقات و تتبیع فراوانی کرده و نظریه‌های خود را چاپ و منتشر کرده‌اند.

اما در باب مقبره حافظ، تاریخچه ساختمان آرامگاه و باع آن که آنرا حافظیه نامند و تحولاتی که در عرض ششصد سال اخیر در آن صورت گرفته کمتر کسی تحقیق کافی کرده و مطالبی نوشته است.

چون امروزه باع و ساختمان آرامگاه حافظ و کتابخانه نفیس آن مورد توجه عمومی و مطافع اعارف و عامی است، بسیاری از

زیارت‌کنندگان تربت حافظ، اعم از ایرانی و غیر ایرانی، هنگام دیدن حافظه از تاریخچه مقبره حافظ و چگونگی ساختمان آرامگاه او و حتی از مصلی و رکن آباد پرسش‌هایی می‌کنند و می‌پرسند که اطلاعات کافی درخصوص آنها داشته باشند ولی کتابی که به پرسش‌های ایشان جوابی مکنی بدهد، موجود نیست.  
اینجانب که مدتی است افتخار خدمتگزاری کتابخانه حافظه را دارم تصمیم گرفتم که این نقیصه را بر طرف کنم و از این روبنوشتمن این کتاب پرداختم.

پیش از شرح تاریخچه حافظه، مختصری هم از زندگانی خواجه نگاشتم تا خوانندگان این کتاب را بشرح حال او نیز آگاه گردانم.

امیدوارم که این تاریخچه حس کن‌جکاوی کسانی را که جویای حقایق تاریخی درخصوص حافظ و حافظه می‌باشند ارضاء نماید.

شیراز

سال ۱۳۵۲ شاهنشاهی

علینقی - بهروزی

## حافظ کیست ؟

”کس چو حافظ نکشد از رخ اند یشه نقاب“  
”تاسر زلف عرو سان چمن شانه زند“  
خواجه شمس الدین محمد متخلص به حافظ و مشهور به  
لسان الغیب و ترجمان الاسرار در اوائل قرن هشتم هجری قمری  
در شیراز متولد شده است . واز ابتدادر مکتب خانه و سپس نزد  
اساتید معروف آن دوره مانند سید شریف جرجانی و ابو عبد الله  
قوام الدین که از دانشمندان مقیم شیراز بوده اند به کسب معرفت  
و تحصیل علوم و ادبیات پرداخت و سپس وارد عالم سیر و سلوک  
گردید و مشرب عرفان را اختیار کرد و یکی از عرفای نامور گردید .  
حافظ تفسیر قرآن را میدانسته و قرآن را از حفظ داشته و  
آنرا با چهارده روایت میخوانده است .

(عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ )

(قرآن زبر بخوانی با چارده روایت )

از این رو تخلص خود را حافظ قرارداده است . گوینده هر  
شب جمعه در گرد مقصووه ایکه میان مسجد شیراز ( مقصود مسجد  
جامع عتیق شیراز است ) واقع است تا صبح بگرد و با الحان خوش



شیخ ابو سحاق اینجو - حافظ

( نقل از کتاب ترجمه لهستانی حافظ چاپ ۱۹۵۷ م )

ختم قرآن نماید . (صفحه ۱۱ جلد اول کتاب هفت اقلیم )  
 زندگانی حافظ مصادف بوده با سالهای اغتشاش فارس  
 و تحولات سریع که هراز جندی شخصی بعنوان پادشاه زمام  
 امور را در دست میگرفته است چنانکه در دوره زندگانی حافظ که  
 بین ۵۰ تا ۶۰ سال بوده این اشخاص در شیراز زمامد ار  
 یا پادشاه بوده اند :

- ۱- امیر جلال الدین مسعود شاه ( ۲۳۶ - ۲۴۵ هـ - ق )
- ۲- شاه شیخ ابواسحاق اینجو ( ۲۴۲ - ۲۵۸ هـ - ق )
- ۳- امیر مبارزالدین محمد مظفری ( ۲۴۳ - ۲۶۰ هـ - ق )
- ۴- شاه یحیی ( ۲۶۰ - ۲۹۵ هـ - ق )
- ۵- شاه شجاع ( ۲۶۰ - ۲۸۵ هـ - ق )
- ۶- شاه زین العابدین ( ۲۸۶ - ۲۹۰ هـ - ق )
- ۷- شاه منصور ( ۲۹۰ - ۲۹۵ هـ - ق )
- ۸- امیر تیمور گورگانی

و این امرگرچه باعث ناراحتی حافظ بوده ولی با اینحال  
 قانع و خرسند بوده است .

حافظ نزد بسیاری از این پادشاهان ( مخصوصاً شاه شیخ  
 ابواسحاق و شاه شجاع و شاه منصور ) حرمت و احترام زیادی  
 داشته و بنابراین ایشان را مدرج گفته است .  
 علاوه بر آن حافظ مورد احترام سلاطین و پادشاهانی که

خارج از فارس سلطنت میکرد هاند نیز بوده است مانند سلطان اویس  
ایلکانی و سلطان احمد جلایر که در آذربایجان و بغداد  
حکومت داشته اند .

محمد شاه دکنی و سلطان غیاث الدین بنگالی نیز حافظ را  
محترم داشته و او را دعوت کرده اند که به هندوستان مسافرت  
نماید .

حافظ علاقه زیادی بشیراز داشته چنانکه میگوید :  
نمید هند اجازت مرا بسیر و سفر

نسیم خاک مصلی و آب رکن آباد  
و بهمین جهت در تمام عمر شیراز اقامت داشته و فقط دو  
سفر کوتاه کرده است . یکی به یزد و یکی به جزیره هرمز .  
شاه محمود دکنی که از ارادتمندان حافظ بود او را دعوت  
کرده که به هندوستان ببرد . حافظ این دعوت را پذیرفت و تا  
جزیره هرمز رفت ولی چون دریا طوفانی شد و حافظ در زحمت  
افتاد از این سفر منصرف شد و بشیراز مراجعت کرد و غزلی را با این  
مطلع گفته برای شاه محمود فرستاد :

دم باغم بسر بردن ، جهان یکسر نمی ارزد  
به می بفروش دل ق ماکزا ین بهتر نمی ارزد  
بس آسان می نمود اول غم دریا ببوي سود  
غلط کردم که یک طوفان بصد گوهرنمی ارزد

غزلیات عارفانه حافظ که با انسجام و فصاحت و بلاغت  
خاصی آراسته است در زبان فارسی کم نظیر است و از این رو  
از همان زمان حیات او در قلمرو زبان فارسی (ایران —  
هندوستان — افغانستان — ترکستان — عراق — ترکیه) مشهور  
گشته و مورد توجه و علاقه طبقات مختلف، مخصوصاً ادباء و عرفاء  
و دانشمندان بوده است.

مناعت طبع و زهد و تقوای حافظ مورد تصدیق عمومی است و  
چون حافظ قرآن بوده است. بسیاری از مضامین ابیات حافظ  
از آیات قرآنی اقتباس شده است.

دیوان حافظ مت加وز از پنج هزار بیت دارد که شامل قصیده  
غزل مثنوی — رباعی — مخمس و قطعه میباشد. ولی شاهگار حافظ  
غزلیات اوست که باعث شهرت عالمگیر وی شده است.  
کنایات و ایهام بسیاری که در اشعار حافظ بکار رفته است.  
سبب شده که هر کسی بتصور خود، ابیات او را طوری توجیه کند  
که باحال او موافق باشد — و این موضوع در تفاله‌ای که از دیوان  
او میگیرند کاملاً مشهور است.

نکته شایان توجه این است که تنها دیوانی که با آن تفال  
میزنند دیوان حافظ است.

بسیاری از کلماتی را که حافظ در اشعار خود بکار برده مانند:  
می — مع — مغبچه — ساقی — مطرب — شاهد — عشق و عاشقی و

غیره از اصطلاحات عرفانی است .

( هاتف اصفهانی گفته است :

( هاتف اریاب معرفت که گهی

مست خوانند شان و گه هشیار )

( ازمی و بزم و ساقی و مطرب

و زمع و دیر و شاهد و زنار )

( قصداشان نهفته اسراری است

که با اینها کنندگه اظهار )

حافظ در سال ۷۹۱ هجری قمری در شیراز وفات یافت و در

گورستان "مصلی" که بدان علاقه وافری داشت مدفنون گردید و

ماده تاریخ وفات او را به حسات جمل در جمله خاک مصلی که

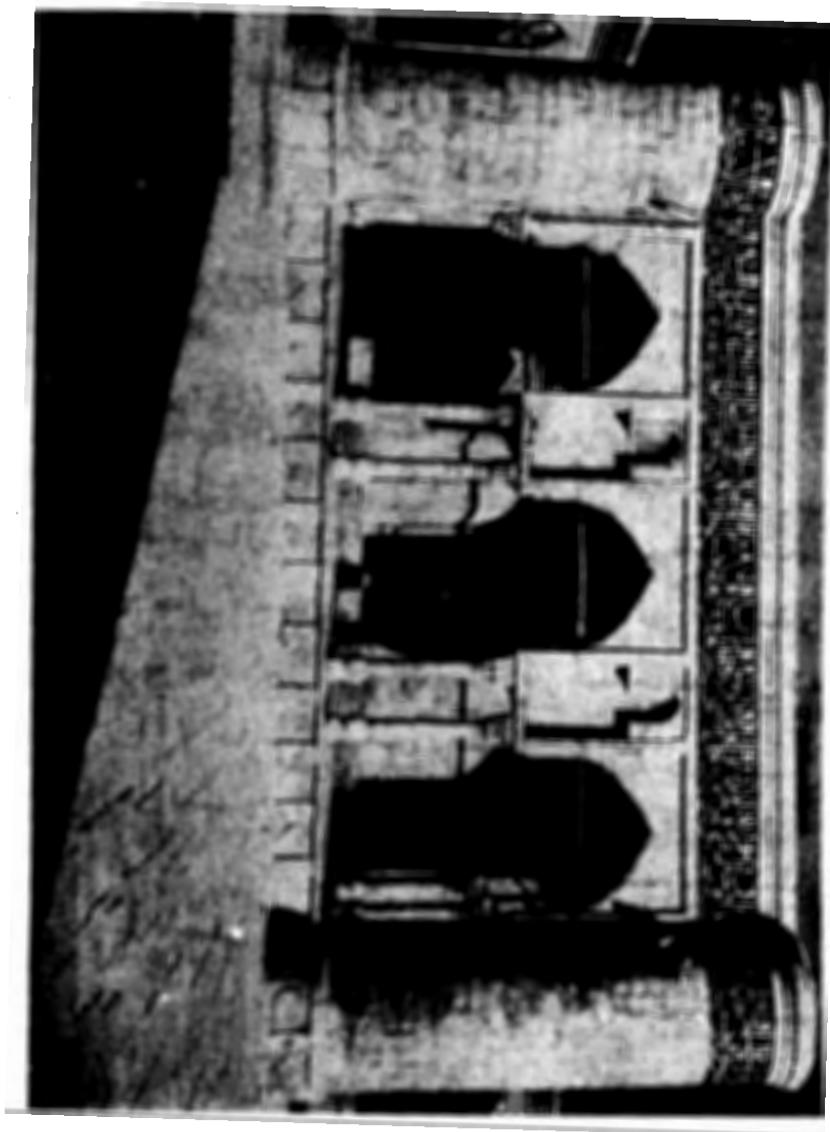
معادل ۷۹۱ میباشد یافته اند . چنانکه گفته اند :

چرا غاہل معنی خواجه حافظ

که نوری بود از شمع تجلی

چو در خاک مصلی یافت منزل

بجوتار پخش از خاک مصلی



خدای خانه در وسط مسجد جامع عتیق شیراز

”حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید“  
 ”تاجد چین و شام و به اقصای روم و ری“

### نیقیده مستشرقین دربار محافظ

دانشمندان و بزرگان دنیا عقاید تجلیل آمیزی نسبت به  
 شخصیت حافظ داشته و نظریه‌های تحسین انگیزی نسبت به  
 اشعار او ابراز داشته‌اند.

چون نقل همه آنها ممکن نیست مانظیر چند نفر از  
 مشهورترین ایشان را بینجا نقل می‌کنیم:

۱- گوته شاعر بزرگ آلمانی: حافظ بزرگوارترین و باصفات‌ترین  
 شاعر ایران کسی است که در عین دلبستگی به زیبائیهای این  
 دو جهان، راز زندگی را برای خود حل کرد، یعنی آن  
 علاقئی را که دست و پای آدمی را می‌بیند، کنار گذاشت و از هر  
 چه رنگ تعلق پذیرد آزادی جست و رندانه بی نیازی و قلندری  
 پیشه کرد. امروزه پس از قرن‌ها، چهار پاداران و کاروانیان در  
 راه پیمائی خود، غزلیات شورانگیز او را زمزمه می‌کنند و احساس  
 می‌کنند که از این سخنان بوی عشق و صفا و حقیقت بر می‌خزد.

(کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی

۲- پروفسور ادوارد برون، مستشرق معروف انگلیسی: برگزیده‌ترین

و نامی ترین شاعران آن دوره که بحقیقت بهترین شعرای ایران ، یعنی استاد فنا ناپذیر و عدیم النظیر ، حافظ شیرازی است . (کتاب از سعدی تاج‌امی )

۳- سرگوزاوزلی مستشرق انگلیسی : سبک سخن وی روشن و متناسب و بی عیب است و مراتب کمال علم و بلوغ دانش او را نشان میدهد که چگونه بر باطن و حقایق اشیاء مانند ظواهر امور بصیرت داشته است . لکن از همه بالاتر آنکه کلام او بقدرتی جذاب و فتان است که هیچ یک از شعراء دیگر پایه اونمیرسند ( مجله روزگار نو ) .

۴- دکترا . ج - آر بری مستشرق انگلیسی : گذشته از اینکه حافظ بزرگترین شاعر غزل سرای ایران میباشد هیچ شاعر دیگر ایران ، حتی خیام نیز بقدر او پیوسته مورد توجه خاص و تمجید و تحسین اهل فضل و ادب انگلیس نبوده است .

۵- والتر لیف محقق انگلیسی : کسانیکه طالب ترجمه های اشعار حافظ باشند آنها را به آسانی بدست میآورند ، و با خواندن شان میتوانند از بادهای مغرب ، عطر باغهای مشرق و بوی مشک تatar را بشنوند ، شعله گلهای سرخ و الاله رابنگرند و لذت شیرتی و شراب مردا فکن ایران را بچشند و بسرانگشتان ، با حلقه های زلف معشوقة بازی کنند . ( مجله روزگار نو ) ( برای دانستن عقايد دیگر دانشمندان درباره حافظ رجوع شود بكتاب شيراز تأليف

آقای علی سامی (۰)



گراور دیکر از خدای خانه مسجد جامع عتیق  
مر بوط به صفحه اول کتاب

## تاگور ، فیلسوف هند برسرترین حافظ

”حسد چه میبری ای سست نظم برحافظ“  
 تقبوں خاطر ولطف سخن خداداد است“  
 در بهار سال ۱۳۱۱ شمسی فیلسوف و شاعر بزرگ هند  
 رابیندرنات تاگور طبق دعوت وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی  
 ایران به اتفاق دینشاه ایرانی زردشتی از راه بوشهر - شیراز  
 - تهران به ایران آمد و مورد تجلیل واقع شدو در شیراز از اودر  
 با غ خلیلی که از بهترین باغهای شیراز است پذیرائی بعمل  
 آمد .

روزی تاگور و همراهان به اتفاق مرحوم ابوالقاسم فیوضات  
 رئیس معارف فارس و چند نفر دیگر به آرامگاه حافظ رفته و با  
 کمال ادب دور قبر حافظ نشسته و از روح ہر فتوح حافظ همت  
 خواست . پس به او پیشنهاد شد که از دیوان حافظ فالی بزند  
 تاگور استقبال کرد . کتاب را آوردند تاگور دیوان را گرفت  
 و بوسیده و بردیده گذاشت و خود آنرا گشود . در این حال  
 براستی مشهود بود که تاگور بعالمند دیگر سیر میکند .

در این فال غزلی آمد که سه بیت آن نقل میشود :  
غلام نرگس مست تو تا جدارانند

خراب باده لعل تو هوشیارانند

بزیر زلف دو تا چون گذرکنی بینی

که از یمین و یسارت چه بیقرارانند

گذارکن چوصبا بر بنفسه زار و ببین

که از تطاول زلفت چه سوگوارانند

فالی هم برای اهکان آزادی هند زدند (چون در آن تاریخ هند  
تحت تسلط انگلستان بود) که این غزل آمد :

یوسف گمگشته باز آید به کتعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

این دل غمیده حالت به شود دل بد مکن

وین سر شوریده باز آید بسامان غم مخور

گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن

چتر گل بر سرگشی ای مرغ خوشخوان غم مخور

### نسخ دیوان حافظ

حافظ ، برخلاف سعدی اشعار خود را در زمان حیات خویش جمع آوری نکرد از این رو بعد از وفات او محمد گلندام شاگرد با وفای وی اشعار او را گرد آورد و دیوان کنونی حافظ را مدون ساخت . از زمانیکه محمد گلندام اشعار حافظ را گرد آورده مددون ساخت ، تعداد بسیار زیادی از آن دیوان را ، چه در ایران و چه در هندوستان و سایر مالک دستنویس کرده اند . که غالبا هم با تذهیب و تشعیر و نقاشی همراه است و امروزه زینت افزای موزه ها و کتابخانه های عمومی و خصوصی داخلی و خارجی است . و از وقتی هم که صنعت چاپ رواج یافته ، دیوان حافظ بشکل ها و قطعه های گوناگون در تعداد زیادی ، در هندوستان و ایران و سایر مالک چاپ و منتشر گردیده بطوریکه میتوان گفت که بعد از قرآن مجید و کتب مذهبی هیچ کتابی در زبان فارسی به اندازه دیوان حافظ چاپ نشده است .

در سالهای اخیر دیوان حافظ بطرزهای مختلف و اسلوبهای گوناگون ، از طرف دانشمندان و محققین چاپ گردیده و روی غزلها و ابیات و حتی کلمات آن نقد ها و اظهار نظرهای بسیاری نموده اند

خط حافظ شیرازی



علاوه بر آنها تعداد زیادی کتب و رساله و مقاله هادر تشریح و تحلیل اشعار و تفسیر عقیده و مسلک و ترجمه کلمات و اشعار حافظ چاپ شده است.

که معروفترین آنها عبارتند از:

- ۱- دیوان حافظ چاپ قدسی
- ۲- دیوان حافظ چاپ خلخالی
- ۳- دیوان حافظ چاپ خانلری
- ۴- دیوان حافظ چاپ انجوی شیرازی
- ۵- دیوان حافظ چاپ قز و ینی - دکتر غنی
- ۶- دیوان حافظ چاپ جلالی - نذیر احمد
- ۷- دیوان حافظ چاپ مسعود فرزاد که شامل ده جلد قطور است
- ۸- شرح دیوان حافظ بوسیله سودی
- ۹- الہاماتی از حافظ
- ۱۰- بحث در افکار و آثار حافظ
- ۱۱- حافظ چاپ پژمان بختیاری
- ۱۲- دیوان کهن حافظ
- ۱۳- حافظ چاپ هومن
- ۱۴- حافظ شیرین سخن تأثیف دکتر محمد معین
- ۱۵- حافظ خراباتی
- ۱۶- حافظ تشریح

- ۱۷ - حافظ بر وايت احمد شا ملو
- ۱۸ - حافظ چاپ دکتر يحيى قریب
- ۱۹ - درسي از ديوان حافظ تأليف آقاى على اصغر حكمت
- ۲۰ - سفينة حافظ تأليف تيمسار جنتى عطائى
- ۲۱ - نبوغ حافظ تأليف رضا نور

## تفأّل بدیوان حافظ

”بناامیدی از این در مرو بزن فالی“

”بود که قرعه دولت بنام ما افتاد“

از زمانیکه بسعی محمد گلندام اشعار خواجه حافظ جمع  
آوری و بصورت دیوان درآمد ، مردم که او را لسان الغیب  
میدانستند و اعتقاد داشتند که بگفته خودش :  
در پس آینه طوطی صفتی داشته اند

و آنچه استاد ازل گفت : بگو ، میگوید  
یقین کردند که حافظ با عالم غیب رابطه خاصی دارد و گفته او را :  
بناامیدی از این در مرو ، بزن فالی

بود که قرعه دولت بنام ما افتاد  
پذیرفته از دیوان او فال زندگی با کمال تعجب مشاهده  
کردند که حافظ در خلال فالها چگونه حقایق را فاش میگوید ،  
و چطور به نیت فال زننده ، پاسخ مناسب و صریح میدهد .  
از این رو چه بر سر مزار او و چه در منازل ، تفأّل  
بدیوان حافظ رواج پیدا کرد و مردم علاقه مند شدند که در  
تنگناها و آن وقتی که در انجام کاری در تردید و دودلی بودند و آینده خود را میخواستند بدانند ، بدیوان او تفأّل زنند و از روح

پر فتوح او همت طلبند و اینکار هنوز هم ادامه دارد .

### طريقه تفأل

بنابر آنچه مرسوم است . برای تفأل بدیوان خواجه ابتداء دیوان را در دست گرفته و با خلوص نیت برای آمزش خواجه سوره حمد و توحید را میخوانند و از روح پر فتوحش همت میطلبند و سپس نیت کرده و دیوان را باز مینمایند ، غزل بالای صفحه دست راست ، جواب تفأل است منتها اگر وسط غزل باشد باید از ابتدای غزل که در صفحه پشت این صفحه است بخوانند سه بیت از غزلیکه بعد از این غزل قراردارد "شاهد" فال نامیده میشود و متمم تفأل است .

تفألهاییکه در عرض این مدت شش قرن از دیوان حافظ زده اند غالباً "بقدره جوابهای مناسبی آمده و نیات فال زندگانرا بطوری صریح بیان کرده که بیشتر بمعجزه شباخت دارد و موجب اعجاب است .

این گونه تفألهای بقدره زیاد است که جمع آوری آنها کتاب قطوفی را تشکیل میدهد و مادر این کتاب بقول سعدی برای نزهت ناظران و فسحت حاضران معروف و فترین آنها را نقل میکنیم : پروفسور ادوارد بروون در جلد سوم تاریخ ادبیات ایران به نقل از لطیفه غیبیه ، این چند فال را نقل کرده است :

۱- فال نخست راجع است به شاه اسماعیل اوّل مؤسس سلسله  
 صفویه که مذهب تشیع را دیانت رسمی ایران قرار داد و جهداً  
 در این باب بجائی رسید که فرمان داد قبور مشاهیر را که به  
 تمایل به تسنن معروف بودند ، بشکافند و آنرا با خاک یکسان کنند  
 این پادشاه بزرگ وقتی به اتفاق شخصی از ملاهای جا هل  
 و متعصب معروف به ملامگس بزیارت قبر حافظ رفت ، ملامگس  
 نزد شاه اصرار بلیغ مینمود که امر به انهدام بقیه حافظ فرماید  
 و او را به انتساب به سنت و جماعت متهم میساخت .  
 و ویرا " فاسد و فاسق " میخواند .

شاه امضای این عزیمت را موكول به تفأل بدیوان حافظ  
 فرمود و چون آنرا گشود این مطلع برآمد .  
 " جوزا سحر نهاد حمایل برابر م

یعنی غلام شاهم و سوگند میخورم  
 شاه این را بمنزله سوگند وفاداری و بیعت بخود دانسته ، بسیار  
 خوشبود و خرم گردید و چون ملامگس باز در ابرام و اصرار مبالغه  
 نمود ، شاه دوباره دیوان برگشود ، این بیت برآمد که ظاهرا  
 روی سخن بمصاحب شاه داشته :

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولا نگه تو است  
 عرض خود میبری و زحمت مامیداری  
 بعد از آن ملامگس زبان در کام خاموشی نهاده ودم در نیاورد .

۲- فال دوم در باب شاه طهماسب اوّل صفوی است . که روزی با انگشت‌تری بسیار گرانبها بازی میکرد ناگهان از دست وی افتاد و هرچه در طلب او بیشتر شتافتند آنرا کمتر یافتند — عاقبت پادشاه بطلب آن خاتم فالی بزد و این بیت آمد :

دلی که غیب نمایست و جام حم دارد

ز خاتمی که دمو گم شود ، چه غمدارد

شاه را از حسن مناسبت این بیت فرح پی اندازه روی نمود

واز فرط تحسین و شگفتی دستهای خود را بزانوهای خویش

نواخت ، ناگهان احساس نمود که انگشت‌تری در چینهای قبای او

افتاده و در آنجا مخفی شده است .

جناب آقای علی اصغر حکمت در حاشیه ترجمه تاریخ ادبیات

ایران تأثیر ادوارد برون که بنام (از سعدی تاج‌ام) چاپ شده

است مرقوم فرموده اند :

این بندۀ مترجم را چند فقره تفأّل بدیوان حافظ است که یا

خود دیده و یا از معاصران شنیده و از عجایب تصادفات است .

و چون همه آنها از نوادرغه بیه میباشد نقل آنها در اینجا بیمورد

نیست :

۳- مرحوم میرزا محمد شفیع متخلص به عشت فرزند و قارین وصال

که منسوب به بزرگترین خاندان‌های شعر و ادب شیراز در قرن

سیزدهم هجری است ، از استاد خود (یعنی استاد آقای حکمت

که مرحوم عشرت بوده ) شنیدم که او را نامزدی بوده است چنان  
مقرر بود که در ماه شعبان عقد مزاوجت آند و بسته و جشن عروسی  
بر پا کنند ، جمعی از بزرگان خانواده را عقیده بود که مجلس -  
عیش و سرور را بعد از رمضان محل دارند ، چون بر سر این  
اختلاف سخن بدرازا کشید ، همه مردمانند . پس داوری  
را بدیوان حافظ برد و فالی زندند و این غزل آمد :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دیگر باره جوان خواهد شد

ماه "شعبان" مده از دست قبح کاین خورشید

از نظر تا شب عید "رمضان" خواهد شد

ایدل "ار عشرت" امروز به فردا فکنی

ما یه نقد بقا را که ضمان خواهد شد

پس همگان بر امر خواجه بزرگ یک دله شدندو به ساز بزم و سور  
و سرور پرداختند .

۴ - کتاب فروشی معرفت شیراز که از قدیمی ترین کتابفروشی‌های  
کشور است . بسال ۱۲۳۰ شمسی برابر با ۲۴۱۰ شاهنشاهی  
بهشت و سعی مرحوم شیخ عبدالحسین در شهر شیراز تأسیس  
یافت و تا سال ۱۲۸۲ شمسی برابر با ۲۴۶۲ شاهنشاهی بنام  
مؤسس اولیه آن نامیده میشد ، فرزندزاده آن مرحوم شیخ محمد  
تقی معرفت در سال ۱۲۸۲ روزی در محفل عده ای از اصحاب

فضیلت که در کتابخانه جمع بودند و از آن جمله جناب آقا! علی  
اصغر حکمت هم حضور داشتند اظهار میدارد که مدتهاست  
دنبال نام شایسته ای برای کتابخانه هستم حضار هر کدام  
نام پیشنهاد میکنند تا اینکه برای رفع اطاله کلام و تکلیف  
قطعی یکی از حضار پیشنهاد میکنند که از لسان الغیب خواجه  
حافظ شیراز مشورت نموده با تفألى بدیوان حافظ غزلی که  
میآید در ضمن کلمات آن غزل نامی برای کتابخانه انتخاب شود  
دیوان حافظ را به جناب آقا! حکمت میدهد ، ایشان بازنموده  
اولین سطر غزل این بیت می آید :

بر خیز تا طریق تکلف رها کنیم

دکان معرفت بد و جو پربها کنیم

از آن تاریخ تا امروز که ۲۵ سال میگذرد حجره کتابفروشی  
بنام معرفت یادکان معرفت نامیده شده .

تفألهای مشهوری به حافظ زده اند در غالب کتابهای مانند :  
کتاب "از سعدی تاج‌امی" و "تفأل حافظ" و فالهای حافظ  
تألیف عزّت پور جمع آوری شده است (ناشر)

” بدء ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت ”

” کنار آب رکن آباد و گل گشت مصلی را ”

### مصلی و رکن آباد

مصلای شیراز - در اوائلی که مردم شهرهای ایران دین مبین اسلام اختیار کرده بودند ، چون در شهرها هنوز مساجد بزرگی که عده زیادی بتوانند در آنها نماز بخوانند ، وجود نداشت و همه علاقه هند بودند که در نماز اعیاد فطر و قربان و نماز طلب باران شرکت جویند ، از این رو خارج از شهرها زمین مسطحی را اختیار کرده ، نمازهای مزبور را در ستجمی در آنجا برگزار میکردند و آن جاهارا مصلی مینامیدند ، در شیراز ، زمینی را که در پایه کوه رحمت ( این کوه را امروزه کوه ” چهل مقام ” و کوه ” مرتضی علی ” = مرتاض علی = نامند ) که کوه صبوی ( کوه صبوی یعنی کوهی که در محل وزش باد صبا ” باد شمال ” قرار دارد ) شیراز میباشد و در مقابل تنگ الله اکبر قرار داشته مصلی قرارداده — بودند و نمازهای عید فطر و عید قربان و نماز طلب باران ( طلب رحمت ) را که در آن جمعیت زیادی شرکت داشتند ، در آنجا بجا میآوردند .

این زمین که صاف و همواره نسبت بشهر مرتفع تر بوده ، دارای

مناظر دل انگیز و روحانیت خاصی میباشد ، کم کم چون مصلی  
بشكل زمین مقدسی درآمده ، مردم مردگان خود را برای اینکه  
از برکت آن آمرزیده شوند در اطراف و کنار آن مدفن کردند  
ولذا اقسامت عمدۀ آن بصورت گورستان عمومی درآمد که طول آن  
از کنار بقعه شاه میرعلی ابن حمزه تا دامنه کوه رحمت امتداد  
یافت و سروهای زیادی در آن غرس کردند . بعد های سن  
قبرستان وسیع بصورت قبرستانهای مجزای شاه میرعلی بسن  
حمزه ، قبرستان جوان آباد ( محل هنرستان محمد رضا شاه  
کنونی ) قبرستان حافظیه قبرستان چهل تنان و قبرستان هفت  
تنان درآمد محل باغ ملی کنونی که تا حافظیه و چهل تنان امتداد داشت  
اولین نامی که از مصلی شیراز ذکر شده ، در یکی از —  
داستانهای باب سوم گلستان سعدی است که فرموده است :  
یکی از ملوک پارس دُری گرانمایه در انگشتی داشت . باری  
بحکم ضرورت باتنی چند از خاصان به مصلای شیراز بیرون رفت  
و فرمود که انگشتی را بر گنبد عضد نصب کردند .  
( گنبد عضد ساختمانی بوده است که امیر عضد الدله دیلمی )  
( در پایه کوه رحمت بنادرده بود و اکنون مانند سایر بنایهای )  
( عضد الدله اثری از آن نیست در کتاب شیراز نامه ز رکوب )  
( تحت عنوان ذکر عمارت عضد الدله در شیراز نوشته شده )  
( است که از آن جمله گنبد عضدی است . گنبدی که بیرون )

در واژه اسطحر نزد یک مصلی ، طول و عرضی دارد ، نقل است که عضد والده را دوازده فیل جنگی بود بوقت جنگ با قابوس ، آن دوازده فیل ، سبب هزیمت لشکر قابوس بودند و آنها را عظیم عزیز داشتند . بعد از آنکه بشیراز مراجعت کرد ، آن گنبد برای فیلان بساخت و در آن وقت فیل خانه عضد نام داشت ) زمین مصلی ، چنانکه ذکر شد در پایه کوه رحمت که در شمال شیراز است قرار دارد و زمینی است که مرتفع تراز شهر است . و بنابراین بر شهر و جلگه شیراز مشرف است و منظره دل انگیز شیراز راچه در بامدادان و چه شامگاهان از آنجا بخوبی میتوان دید و بامدادان که بقول سعدی "تفاوت نکند لیل و نهار نسیم فرح بخش صبا " از تنگ الله اکبر بسوی زمین مصلی میوزد و بهمین جهت است که محافظت فرموده است :

میان جعفر آباد و مصلی                          عبیر آمیز میآید شمالش  
 (جعفر آباد راضی و شاید آبادی بوده ، در مغرب مصلی که )  
 (امروزه ساختمانهای نظامی و پارک فرح و دبیرستان شهدخت  
 و هتل گورش در آن بناسده است .)

و سعدی هم زمانیکه در غربت بوده ، بیاد آن افتاده و فرموده :  
 چه خوش سپیده دمی باشد آنکه بینم باز  
 رسیده بر سر الله اکبر شیراز



تنک الله اکبر که آب رکن آباد باغچه های اطراف آنرا مشروب  
میکند مزار خواجهی کرمانی در این تنک است

این زمین آن وقت‌ها که هنوز صحرا بوده

(بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار )

ود رفصل بهار که بامدادان از گل و سبزه پوشانیده می‌شد و نسیم  
عیبر آمیز شمال که از تنگ الله ایبر در آن می‌زیده بسیار فرح  
بخشنوش نشاط انگیز بوده است .

بعد ها که رکن الدوله دیلمی قنات رکن آباد را احداث کرد  
و آب آنرا از تنگ الله ایبر گذرانید و زمین مصلی را مشروب -  
ساخت ، بر صفا و طراوت آن افزود و گردشگاه مردم شیراز شد و  
بهمین جهت است که حافظ فرموده است :  
بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت

کنار آب رکن آباد و گل گشت مصلی را  
چنین بنظر میرسد که خواجه حافظ ، به گردش و نشستن در  
کنار نهر رکن آباد که از زمین مصلی می‌گذشته و قهرا " در کنار  
آن درختهای سرو و کاج سایه افکنده و گل و سبزه روئیده بود ،  
علاقه خاصی داشته و بطور یقین بسیاری از غزلهای شورانگیز  
و عرفانی خود را در کنار این نهر ساخته است و بهمین جهت  
است که در ابیات زیر از مصلی و رکن آباد تمجید فراوان کرده  
است :

ز" رکن آباد " ماصد لوحش الله      که عمر خضر می بخشد زلالش

و

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت  
کنار "آب رکن آباد" و گل گشت "مصلی" را

و

فرق است ز آب خضر که ظلمات جای اوست  
تا آب ما که منبعش "الله اکبر" است

و

نمید هند اجازت مرا بسیر و سفر  
نسیم خاک مصلی و آب رکن آباد

و

شیراز و "آب رکنی" و آن باد خوش نسیم  
عیش مکن که خال رخ هفت کشوار است  
نظر بهمین علاقه شدید حافظ به این زمین بوده که چون او را  
از گنگره عرش صفیر زند و روح پاکش از حجاب غبار تن رهائی  
یافت و بفردوس برین پرواز کرد تن خاکیش رادر همین زمین  
دفن کردند و از عجایب آنکه ، ماده تاریخ فوت او هم خاک  
مصلی شد .

رکن آباد = بعد از علی - عmad الدوله ( ۳۲۰ - ۳۳۸ هـ ق )  
دیلمی برادر شحسن ملقب به رکن الدوله ( ۳۶۶ - ۳۲۳ ) در  
شیراز که پای تخت سلاطین آل بویه ( دیلمیان ) بود به تخت

سلطنت نشست . رکن الدوله در سال ه۳۳۸ ق از پایه کوه بمو قناتی احداث کرد که آنرا رکن آبادو یا آب رکنی گویند . مظہر این قنات در محلی است بنام گنبد سبزکه تاشی راز هشت کیلو متر فاصله دارد .

آب این قنات در اکبرآباد (شش کیلو متری شیراز) بدو قسمت تقسیم میشود . نصف آن برای مشروب کردن اراضی روستای اکبرآباد بمصرف میرسد و نصف دیگر وارد تنگ الله اکبر میشود و پس از مشروب کردن باعچه ها و تکایای داخل تنگ به مصلای شیراز سرازیر میگشته و تکیه هفت تنان و حافظیه و باع جهان نما و سایر باغهای آن حدود را مشروب میساخته است . در دوره زندیه ، آب رکنی را از زیر رودخانه خشک و خندق دور شهر گذرانیده و وارد ارگ کریمخانی و سایر عمارت زندیه کرده بودند . ( رجوع شود بكتاب گشای تألیف میرزا محمد صادق نامی )

آب این قنات سابقاً زیاد بوده بطوریکه آنرا نهر رکنی میگفته اند ، ولی امروزه مقدار آب آن خیلی کم است و پیوسته - تحلیل میرود بطوریکه اکنون از تنگ الله اکبر خارج نمیشود .

### ترتیب حافظ

برسر تربت ماچون گذری همت خواه ”

”که زیارتگه رزدان جهان خواهد بود“

از همان زمانیکه خواجه شمس الدین محمد حافظ رخ در

نقاب خاک کشید و در زمین مصلی که مورد علاقه اش بود مدفن  
گردید . آرامگاهش مطاف اهل دل و قبله گاه مردمان صاحب  
نظر و عرفاء روشنگر بوده است و از این رو قبرش از سایر قبور  
گورستان مصلی تعابیزی داشته است ، و گویا بر بالای آن سقفی  
و سایه بانی ساخته بودند و مردم حقیقت جوی شیراز هنگام زیارت  
آن خاک پاک از روح پر فتوحش همت میطلبیده و از دیوانش  
تفائل میزده اند .

ابوالقاسم با بر پسر میرزا بایسنقر نواده شاهرخ بن تیمور

از سال ۸۵۴ تا ۸۶۱ ه . ق در فارس حکومت داشت . مولانا  
محمد معماقی صدراعظم او گردید . . . . .

درا یام مکنت خود (معماقی) در شیراز در سر تربت خواجه  
حافظ گنبدی ساخت (سال ۸۵۶ ه . ق) و با بر میرزا را آنجا  
ضیافت کرد . اما یکی از خوش طبعان شیراز بجانبی که نظر میرزا  
افتدا ین بیت را نوشتہ بود :



اگرچه جمله اوقاف شهر غارت کرد

خداش خیرد هاد آنکه این عمارت کرد

میرزا خوانده در آن باب بسیار مطابیه کرد ۰ (ص ۳۳۲ کتاب

از سعدی تا جامی تالیف جناب آقای علی اصغر حکمت)

این بنادر اوائل قرن یازدهم هجری ، زمان سلطنت شاه

عباس کبیر تعمیر گردید (ص ۲۸۲ کتاب شیراز تالیف علی سامی)

میرزا مهدی استرآبادی در کتاب جهانگشای نادری نوشته

است که :

..... (در ایام توقف بلده مینو مثال شیراز ، روزی در

هنگام سواری و عبور و مرور ، کوکبه منصور (یعنی نادر شاه افشار)

بتکیه گاه لسان الغیب ، خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

اتفاق افتاد . در سر مزار برای پیش آمد کار ، بدیوان آن عند لیب

خوش گفتار تفأل زدند . این غزل آمد :

سزدکه از همه دلبران ستانی باج

چرا که بر سر خوبان عالمی چون تاج

ز چشم مست تو پرفتنه جمله ترکستان

بچین زلف تو ماچین و هندداده خراج

دهان شهد توداده بخضر آب بقا

لب چونوش تو بردہ زقند مصر رواج

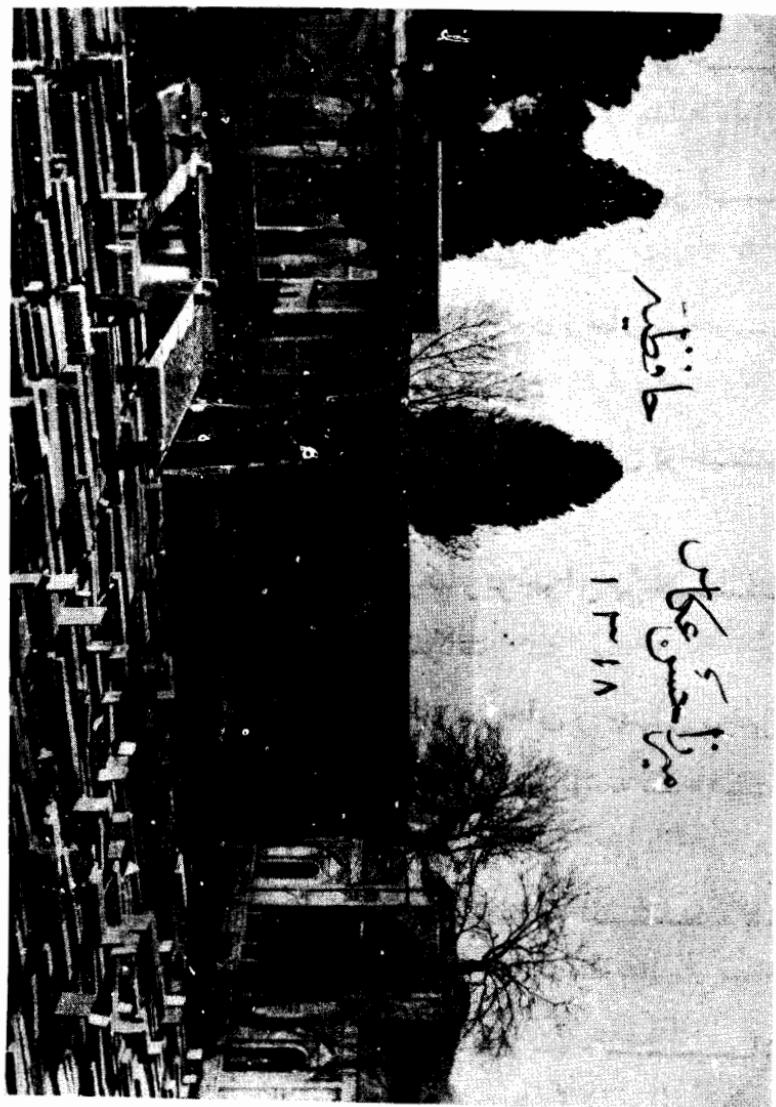
پس . . . بقעה او را باز اویه متبرکه شاهچراغ امر بعمارت فرمودند . ( ص ۱۱۳ تاریخ جهانگشای نادری با هتمام سیدعبدالله انوار )

کریم خان زند در سال ۱۱۸۷ ه . ق دور محوطه بزرگی که قبر حافظ در آن قرار داشت حصاری کشید و سطآنرا عمارتی ساخت بطوریکه محوطه مزبور بد و قسمت مجزا تقسیم شد .

عمارت مزبور از چند اطاق که طاق ضربی داشتند تشکیل میشد و در وسط ایوانی داشت که بوسیله چهار ستون سنگی یک پارچه نگهداری میگردید و در زیر گوش غربی آن آب انبار بی نظیری ساخت که آب رکن آباد آنرا پر میکردا ( چهار ستون آب انبار مزبور هنوز سالم و باقی است . )

علاوه بر آن سنگ بزرگ مرمر عالی به ابعاد  $۲۶۶ \times ۸۰ \times ۴۰$  سانتی متر نیز بروی مزار او گذاشت که خوشبختانه هنوز سالم و بروی قبر او قرار دارد .

کتیبه سنگ که بخط نستعلیق خوب نوشته شده و حجاری گردیده بشرح زیر است در وسط بالای سنگ در میان ترنجی این جمله نوشته شده است . " انت الباقي وكل شيئاً هالك " در زیر آن شش بیت از غزل زیر، در دوازده سطر، با قلم درشت و بخط نستعلیق عالی نوشته شده است :



حافظیه  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

حافظیه در اوائل دوره قاجاریه  
قبوی که سه نفر اطراف آن ایستاده اند قیر حافظ است

مژده وصل تو کو ، کز سرو جان بر خیزم  
 طایرفدم سر از دام جهان بر خیزم  
 بوفای تو گربنده خویشم خوانی  
 از سرخواجگی کون و مکان بر خیزم  
 یارب از ابرهدايت برسان بارانی  
 پیشتر زانکه چو گردی ز میان بر خیزم  
 بر سرتربت من بی می و مطرب منشین  
 تاز شوقت ز لحد رقص کنان بر خیزم  
 گرچه پیرم تو شبی تنگ در آغوشم گیر  
 تا سحرگه ز کنارتوجوان بر خیزم  
 خیز و بالا بنمای بت شیرین حرکات  
 که چو حافظت سر جان و جهان بر خیزم  
 دور این کتیبه ، غزل دیگر حافظ بشرح زیر نوشته شده است :  
 ایدل غلام شاه جهان باش و شاه باش  
 پیوسته در حمایت لطف الله باش  
 از خارجی هزار بیک جو نمیخرند  
 گوکوه تا بکوه منافق سپاه باش  
 امر و زندہ ام بولای تو یا علی  
 فردا بروح پاک امامان گواه باش

آنرا که دوستی علی نیست کافرا است  
گوزا هد زمانه و گوشیخ راه باش

قبر امام هشتم ، سلطان دین رضا

از جان ببوس و بر در آن بارگاه باش

حافظ طریق بندگی شاه پیشه کن

و آنگاه در طریق ، چو مردان را مباش

در دو گوشه بالای سنگ این دو مصرع نوشته شده است :

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه

که زیارت گه رندان جهان خواهد بود

و در دو گوشه پائینی سنگ این دو مصرع نوشته شده است :

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

بجو تاریخش از خاک مصلی

کتیبه این سنگ بخط " حاجی آفاسی بیگ افشار" از اهال

آذربایجان است . که در اردیوی نادر شاه بوده و در زمان

کریم خان زند بواسطه دوستی که با او داشته ، بشیراز می آید

و شهر یار زند مقدم آن هنرمند خوش نویس را گرامی میدارد .

(صفحه ۲۸۳ کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی )

در سال ۱۲۷۳ هجری قمری طهماسب میرزا ملقب به

مُؤْید الدوله که حکمران فارس بود آرامگاه حافظ را تعمیر و

مرمت کرده است . (کتاب ۱۵۱ مقاله تألیف آقای سید محمد تقی

(مصطفوی)

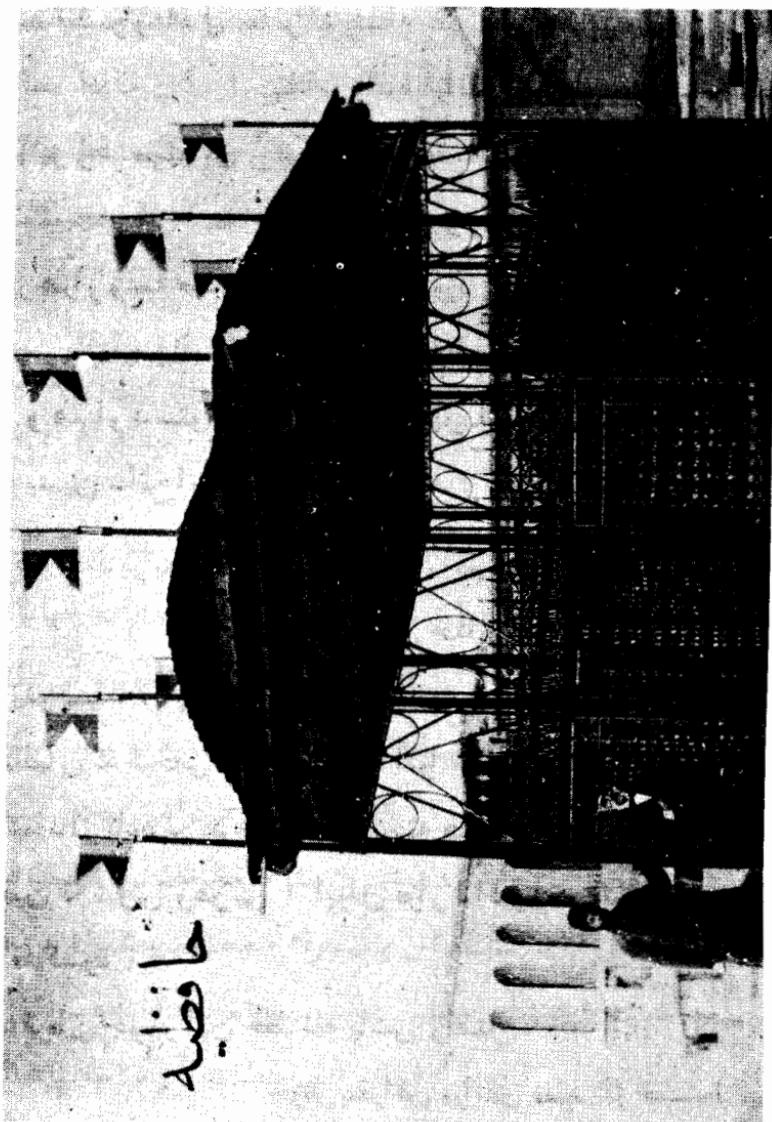
در سال ۱۲۹۵هـ ق مرحوم فرهاد میرزا ملقب به  
معتمدالدوله فرماننفرمای فارس محجری آهنی دور قبر خواجه  
نصب کرد.

در سال ۱۳۱۷هـ ق یکنفر زردشتی بنام "اردشیر" که  
ساکن یزد بوده است. تفالی بدیوان خواجه میزند و این بیت  
می‌آید.

ای صبا با ساکنان شهر یزد از مابگوی  
کای سرحق ناشناسان گوی میدان شما  
گرچه دور یم از بساط قرب، همت دور نیست

بند شاه شمائیم و ثناخوان شما  
اردشیر از این ابیات مؤثر شده، بشیراز می‌آید و آرامگاه  
حافظ را تعمیر می‌کند. و محجری بر بالای قبر آن قرار میدهد  
ولی بعد از مدتی یکی از مجتهدین متعصب شیراز به بهانه  
اینکه یکنفر گبر محجر خواجه را ساخته است، آنرا خراب می‌کند.

در سال ۱۳۱۹هـ ق شاهزاده "ملک منصور" ملقب به  
شعاع السلطنه والی فارس گردیده و بدستور او مهندس مزین  
الدوله محجری آهنین دور مزار حافظ ساخت. و کتیبه زیر را  
با خط نستعلیق بر پیشانی آن نگاشت:



محجر اطراف قبر حافظ که وسیله شعاع السلطنه ساخته شده  
مرحوم فرصت الد وله فیلسوف و شاعرنا می درسمت چب آرامگاه استاده  
است

بعهد خسر و عادل مظفرالدین شاه  
 به امرزاده آزاده اش ملک منصور  
 خرد پژوه مهندس "مزین الدوّله"  
 بریخت طرح و بدایاين اساس رادستور  
 بداز هزار و سه صد ، نوزده فزوون کاورد  
 شاعر السلطنه اين طرفه بقעה رابظهور  
 و هم او دستور دادكه در طرفين ايوان کريمانى غزل  
 راکه بدین مطلع است :

روشه خلدبرین خلوت درويشان است  
 مايه محتشمی خدمت درويشان است  
 بنويستند ، از اين رو عبد الصمد معروف به لله باشی ظل  
 السلطان که شخص باذوقی بوده آنرا بخط نستعلیق از روی خط  
 ميرعماد از کاغذ بريده و بر روی تخته هاي مربع مستطيل نصب و  
 طرفين ( شرقی و غربی ) ايوان قرار داد و آخر آنهم اين بيت  
 اضافه کرد :

داد فرمان چو براين خط لله باشی ز هنر  
 خوش بمقراض و رانقل نمود از خط مير  
 ( بعد هامرحوم على معارفی از روی آن خط غزل مذبور راروی )  
 ( سنگ نگاشت که اکنون باقی است )

در سال ۱۳۵۰ هـ ق " ۱۳۱۰ شمسی " مرحوم فرج الله

بهرامی ، دبیر اعظم استاندار فارس شد و نظر به علاقه ایکه  
به حافظ داشت ، میخواست آرامگاه مجللی را برای حافظ بسازد  
ولذا سر در بزرگی از سنگ در وسط دیوار جنوبی حیاط جنوبی  
آرامگاه ساخت (این سرد ر بعد ها خراب گردید) و نارنجستان  
آنرا سر و صورتی داد .

ودر جنوب آرامگاه حافظ خیابانی احداث کرد و از این

شعر حافظ :

مقام اصلی ما گوشه خرابات است

خداش خیردها د آنکه این عمارت کرد  
الهام گرفته آنرا خیابان خرابات نامید که بعد ها به خیابان  
گلستان نامیده شد . و تا آرامگاه سعدی امتداد یافت و لی طولی  
نکشید که مرحوم بهرامی بتهران احضار شد و نقشه او متوقف ماند .  
روز ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۱۰ که مرحوم بهرامی میخواست  
تعمیرات حافظیه را آغاز کند بر سر تربیت حافظ جشنی ترتیب داد  
که عده زیادی از دانشمندان و شعراء و محترمین شیراز در آن  
شرکت داشتند . در آن مجلس مرحوم بهرامی خطابه غرائی را  
قرائت گرد که مشهور گردید . ( متن این خطابه در کتاب بناهای  
تاریخی و آثار هنری جلد شیراز تألیف نگارنده چاپ شده است )  
حافظیون - در هنگامیکه دبیر اعظم بهرامی مشغول  
تعمیرات حافظیه بود ، مرحوم اعتماد التولیه روحی که از دانشمندان



آرامگاه حافظ از داخل مجراهندی

و شعراء شیراز بود و علاقه خاصی نسبت به حافظه داشت ،  
عده ای را گرد آورد و نام آنرا حافظیون گذاشت . این جمعیت  
شبها در قهوه خانه ایکه در جوار آرامگاه حافظ بود جمع میشدند  
و با خواندن غزلها و ساقی نامه حافظ طی مراسمی دور قبر حافظ  
طوف میکردند ، در همین موقع است که مرحوم روحی با پای بر همه  
وجاروب بدست در مقابل ضریح حافظ عکس برداشته که در اینجا  
گراور میشود و غزل زیرا هم بهمین مناسبت سروده و ذیل آن  
عکس خود نوشته است :

### بغیر از عشق و اسرار حقیقت

نباشد حافظیون را طریقت  
همان رندان عالم سوز عاشق  
که کرده زیر و رو ملک طبیعت  
درین کانون عشق و مرکز نور  
فر و آورده سر باصد حقیقت  
همه خوبی و زیبائی عالم  
نهاده اندرین مسدفن و دیعت  
بود این مرکز صلح عمومی  
صلح کل بس است این یک نصیحت  
بدشمن کن مدارا ، رحم بادوست  
بود از قول این صاحب شریعت



جمعیت حافظیون در کنار آرامگاه حافظ

ولی چون دید این انسان کامل  
 نکرده آدمی بو ، این فضیلت  
 فریبد مغربی ، مشرق زمین را  
 بدین الفاظ مکر پر خدیعت  
 بگفتا عالمی از تو بی ساید  
 مگر پاگیرد آنجا آدمیت  
 فروردین ۱۳۱۱ - روحی حافظی  
 با مرگ مرحوم روحی در تابستان ۱۳۱۱ جمعیت حافظیون  
 هم متلاشی شد .  
 ( مرحوم روحی در طی مدتی که جمعیت حافظیون را تشکیل )  
 ( داده بود ، با همکاری افراد دانشمند جمعیت دیوان حافظ )  
 ( را با استفاده از نسخ چاپی و خطیبا شرح و حواشی کامل )  
 ( تصحیح نموده و با خط نستعلیق نوشته و قرار بود بچاپ )  
 ( برساند که عمر او و فا ننموده و وراث او بکلی حافظ مذکور )  
 ( را از بین برداشت )  
 ( ناشر )

## آخرین تعمیرات حافظیه

”این سرائی است که البته خلل خواهد یافت“  
 ”خنگ آن قوم که در بند سرای دیگر ند“

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگامیکه داشتمند گرانمایه جناب آقا علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران وزارت معارف و اوقاف (آموزش و پرورش فعلی) را عهدهدار بود نظر بعلقه ایکه به حافظ داشت وسائل ساختن آرامگاه حافظ را فراهم ساخت و آنرا بشکل آبرومند کنونی در آورد .

ساختمان آرامگاه حافظ در سال ۱۳۱۴ شمسی شروع شد و در سال ۱۳۱۶ پایان یافت طرح نقشه آرامگاه بوسیله اداره کل باستانشناسی آنوقت ریخته شد .

در این ساختمان عمارت قدیمی کریمخان زند بصورت تالاری درآمده که ۵۶ متر طول دارد و بوسیله بیست ستون سنگی بلند نگهداشته میشود (چهار ستون یکپارچه کریمخانی در میان این ستونها قرار دارد) که محوطه حافظیه را بدوقسمت مجزا (حياط شمالی و حیاط جنوبی) تقسیم کرد .

در اینجا قسمتی از مطالبی را که آقا حکمت در حاشیه صفحه

۳۳۳ کتاب از سعدی تاج‌امی نوشته‌اند : نقل مینماید :

آرامگاه حافظه که در حال تحریر بنائی است مجلل و زیبا  
در زمانیکه راقم این حواشی بخدمت وزارت معارف مشغول بود  
بحمدالله به انجام ساختمان آن موفق گردید . . . . .

در سال ۱۳۱۰ هـ - ش بعضی از حکام خیراندیش -  
شیراز را بخاطر گذشت که بنای قدیم حافظه را که از عهد  
کریم‌خان زند ملقب به وکیل باقی مانده و رو بخرابی و کهنه‌گی  
نهاده بود تعمیر و مرمتی بسزا نماید . ( مقصود دبیر اعظم  
بهرامی است که شرح آن گذشت )

بنابراین عمارت مذکور را که عبارت بود از ایوانی دو روم شامل  
بر چهار ستون سنگی بزرگ و یک ردیف حجرات خراب کرده در  
صد د ساختمان جدید برآمد ، متأسفانه حوادث مجال اتمام به  
ایشان نداد .

در سال ۱۳۱۳ شمسی که بمناسبت ساختن آرامگاه فردوسی  
در تمام ایران ، جوش و جنبش خاصی نسبت به آثار بزرگان ادب  
بظهور رسیده بود ، خاطر صاحبدلان شیراز از خرابی آرامگاه  
حافظ محزون و غمین بود و این بندۀ نیز که در این تأثر و تأسف با  
ایشان شریک و انباز بودم ، پیوسته با خود من اندیشیدم که چه  
شود اگر بنای مجللی چنانکه در خورشأن و منزلت خواجه شیراز  
است بر سر مزار او بیادگار ساخته شود . . . . .

اندکی بر نیامده از وجوه پر و منابع خیر ، من حیث  
لا یحتسب سرمایه فراهم آمد و در سال ۱۳۱۴ که هنوز این  
بندۀ نویسنده بخدمت معارف مشغول بود ، بنائی رفیع  
و گنبدی منیع بر سر بنای آرامگاه آغاز گشت و آن بنای ارجمند  
در سال ۱۳۱۶ شمسی بکلی پایان یافت .

بجای چهارستون ، ۱۶ ستون بزرگ از سنگ محکم  
افراشته است . ( یعنی ۱۶ ستون اضافی که با ۴ ستون وکیلی  
مجموعاً " ۲۰ ستون میگردد ) و بر سر قبر نیز گنبدی عتیق بر  
هشت پایه سنگین نصب گردید و از ابیات و اشعار خواجه غزلهای  
غرا انتخاب گشت و چون خواجه خود در حسن خط استاد —  
خطاطان بوده است . یکی از استادان ثلث نویس معاصر ( حاج  
میرزا عبدالحمید ملک الکلامی معروف به امیرالكتاب خطاط هنرمند  
معاصر ۱۲۶۲—۱۳۲۸ ) ، برای دانستن شرح حال او رجوع  
شود بشماره ۵ سال سوم مجله اطلاعات ماهانه ( آنها را بهمان  
شیوه برنگاشت و بر روی کاشیهای ظریف برآورده در و دیوار را  
به آن زینت بخشد .

نقشه این بنا را مهندس گدار فرانسوی طرح و رسم نموده  
و به اهتمام مرحوم علی ریاضی رئیس معارف و معماران و سنگتراشان  
و کاشی کاران شیراز به محل اجرا گذاشته شد . . . . .



تالار جدید حافظیه

اينك وضع کنوئي حافظيه را شرح ميد هم .

چنانکه ذكر شد ، حافظيه بدو صحن ( حياط مجازی شمالی و جنوبی ) تقسيم شده است و حد فاصل اين دو صحن تالار ۵۶ متری است که سقف آن بوسيله ۲۰ ستون سنگی پنج متري يکپارچه نگهداري ميشود .

صحن شمالی - صحن شمالی حافظيه به ابعاد  $60 \times 50$  متر است . که سابقاً "قبرستان عمومی بوده است . در وسط اين صحن ، قبر حافظ قرار دارد که با داشتن پنج پله قریب يكمتر از کف صحن مرتفع تراست .

سنگ مرمریکه کر يمخان زند بر روی مزار حافظ افکنده بهمان حال باقی است ، كتيبة سنگ قبر حافظ بشرحی است که در صفحه ذكر آن رفته است .

بالای قبر گنبدی است که بوسيله هشت ستون سنگی يکپارچه پنج متري ( بشكل ستونهای کر يمخانی ) نگهداري ميشود ، سطح خارجی گنبد بوسيله ورقهای مس تركی مانند کلاه قلندران و در و يشان پوشیده و سقف گنبد با کاشیهای رنگین معرق تزيين شده است .

دور تا دور زير سقف ابيات زير بخط ثلث روی کاشی نوشته شده است .

حجاب چهره جان میشود غبار تنم

خوشا دمی که از این چهره پرده بر فکنم

چنانی قفس نه سزای چو من خوش الحانی است

روم بروضه رضوان که مرغ آن چمنم

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس

که در سرا چه ترکیب تخته بند تنم

مرا که منظر حور است مسکن و مأوى

چرا بکوی خراباتیان بود وطنم؟؟

طراز پیر هن زر کشم مبین چون شمع

که سوز هاست نهانی درون پیر هنم

عیان نشد که چرا آدم کجا رفتیم؟

دریغ و درد که غافل بکار خویشتندم

اگر زخون دلم بوی شوق می‌آید

عجب مدارکه همدرد آهوی ختنم

بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار

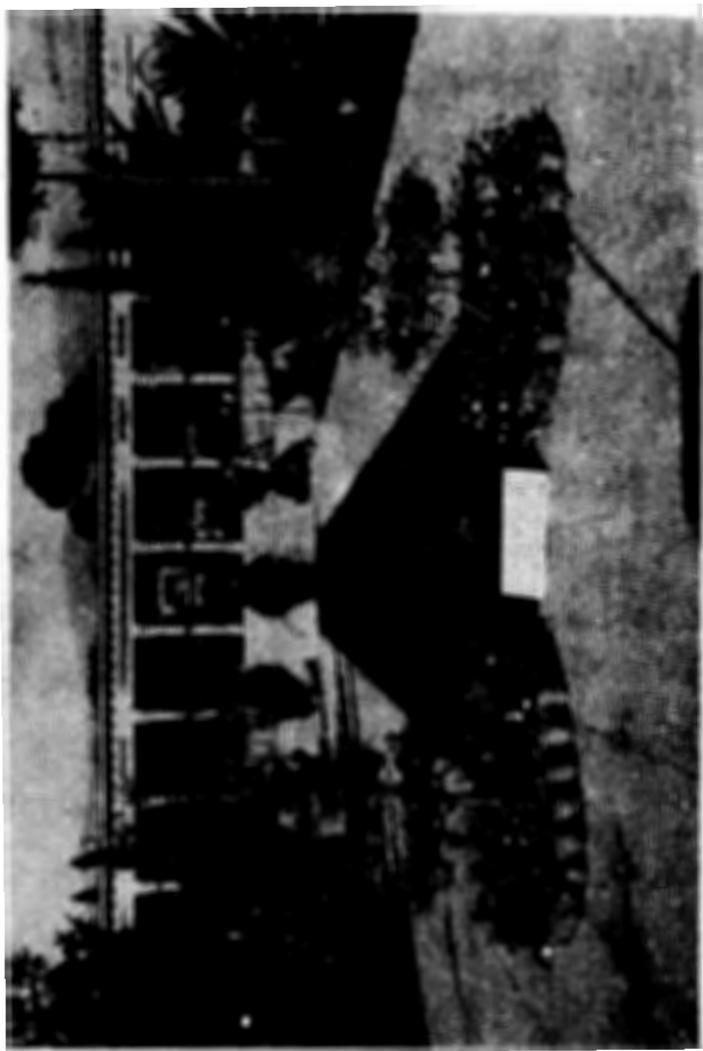
که با وجود توکس نشنود ز من که منم

در جنوب صحن دو حوض آب است که هر یک بو سیله دو باغچه

که دارای درختهای نارنج میباشد محصور است دور تاد و رسمت

شرقی و شمالی و غربی صحن نیز باغچه هائی است که در آنها

کاج و سرو و نارنج کاشته شده و گل و چمن کاری گردیده است.



د ورنمای آرامگاه حافظیه و تالار آن

سمت شرقی — در سمت شرقی این صحن دیوار بلندی است  
 که پشت آن توالت و گلخانه و آرامگاه های خصوصی است .  
 در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب گردیده که ابیات  
 زیر بخط ثلث روی آنها نوشته شده است .  
 مزرع سبز فلك دیدم و داسمه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو  
 گفتم ای بخت به خسپیدی و خورشید دمید  
 گفت با اینهمه از سایقه نومید مشو  
 تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار  
 تاج کاوس ربود و کمرکی خسرو  
 گر روی پاک و منزه چو مسیحا بفلک  
 از فروع تو بخورشید رسصد پر تسو  
 آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق  
 خرم من مه به جوی خوش پروین بد و جو

گوشواره دُر و لعل ارجه گران دارد گوش  
 دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

\* \* \* \* \*

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش  
 هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

همه کس طالب یارند ، چه هوشیار و چه مست  
 همه جاخانه عشق است چه مسجد ، چه کنست  
 سر تسلیم من و خشت در میکده هـ  
 مدعی گـر نکـد فـهم سـخـن ، گـو سـرو خـشت  
 نـا مـیدـم مـکـن اـز سـابـقـه لـطـفـ اـزل  
 تو چـه دـانـی کـه پـس پـرـدـه چـه خـوب اـسـتـو چـه زـشت  
 بر عمل تکـیـه مـکـن خـواـجه کـه اـز رـوز اـزل  
 تو چـه دـانـی قـلم صـنـع بـنـامـت چـه نـوـشـتـ؟  
 نـه مـن اـز خـانـه تـقوـی بـدـرـافتـادـم و~بـس  
 پـدرـم نـیـز بـهـشتـاـزل اـز دـست بـهـشتـ  
 باـغ فـردـوس لـطـیـف اـسـت و~لـیـکـن زـنـهـارـ  
 تو غـنـیـمـت شـمـرـایـن سـایـه بـید و~لـبـکـشـتـ  
 حـافـظـا رـوـز اـجـل گـرـبـکـف آـرـی جـامـی  
 یـکـسـراـزـکـوـی خـرـابـات بـرـنـدـتـ بـهـشتـ  
 سـمـتـ شـمـالـی - در سـمـتـ شـمـالـی صـحنـ شـمـالـی حـافـظـیـه دـیـوارـی  
 است کـه پـشت قـسـمتـ شـرقـی آـن ، قـسـمتـ زـمـینـ خـالـی است .  
 و قـسـمتـ مقـابـرـ اـشـخـاص - در وـسـط اـین سـمـتـ عـمـارتـ کـتابـخـانـه  
 است . و ( شـرحـ کـتابـخـانـه در آـخـرـایـن کـتابـ دـادـه مـیـشـود ) پـشتـ  
 قـسـمتـ غـربـی دـیـوارـ حـیـاطـ کـوـچـکـ است کـه چـنـدـ مـقـبـرـه در اـطاـقـهـایـ  
 آـن قـرارـ دـارد ( اـطاـقـهـایـ اـین حـیـاطـ تـحـتـ تـعمـیرـ است تـابـصـورـتـ

چایخانه در آید )۰

در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب گردیده که روی آنها  
ابیات زیر بخط ثلث نوشته شده است .

سحرم هاتف میخانه بدولت خواهی  
گفت بازآی که دیرینه این درگاهی  
همچو جم جرعه می کش که بسرّ ملکوت  
پر توجام جهان بین دهدت آگاهی  
بر در میکده رندان قلندر باشد  
که ستانندو دهنده افسر شاهنشاھی  
خشتش زیر سرو بر تارک هفت اختر پای  
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاھی  
سرما و در میخانه که طرف بامش  
بفالک بر شده دیوار بدین کوتاهی

\* \* \* \* \*

اگر سلطنت فقر به بخشند ایدل  
کمترین ملک تو از ماھ بود تا ماھی  
با گدايان در میکده ای سالك راه  
به ادب باشگراز سرخدا آگاهی  
قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن  
ظلمات است بترس از خطر گمراھی

ای سکندر بنشین و غم بیهوده مخور  
 که نبخشد تو را آب حیات از شاهی  
 حافظ خام طمع شرمی از این قصه بدار  
 عملت چیست که مژدش دو جهان میخواهی ؟  
 سمت غربی - در سمت غربی ، دیواری است که پشت  
 آن مقابر اشخاص مختلف است و قسمت دیگر مقبره خانواده قوام -  
 الملك شیرازی میباشد که سردر مرتفعی دارد و پشت مقبره نیز  
 حیاط کوچکی است که در سمت غرب آن چندین مقبره اشخاص  
 است .

در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب شده که روی آنها  
 ابیات زیر بخط ثلث نوشته شده است:  
 بیاکه قصر امل سخت سست بنیاد است  
 بیار باده که بنیاد عمر بر باد است  
 نصیحتی کنمت یادگیر و در عمل آر  
 که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است  
 مجو درستی عهد از جهان سست نهاد  
 که این عجوزه عروس هزار داما است  
 چگو یمت که بمیخانه دوش مست و خراب  
 سروش عالم غیبم چه مژده هاداد است

که ای بلند نظر شاه باز سدره نشین

نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است

تراز کنگره عرش میزند صفير

ندانمت که درین دامگه چه افتاده است

غم جهان مخوب و پندمن مبراز ياد

که این لطيفه نغزم ز رهروي ياد است

رضا بداده بدء وز جبين گره بگشا

که بر من و تو در اختيار نگشاد است

غلام همت آنم که زير چرخ كبود

ز هر چه رنگ تعلق پذيرد آزاد است

نشان عهد و وفانيست در تبسم گل

بنال بلبل بيدل که جاي فرياد است

حسد چه ميرى اى سست نظم بر حافظ

قبول خاطر و لطف سخن خداداد است

سمت جنوبي - اين سمت تالار سرتاسری است و قریب يكمتر

از کف صحن مرتفع تراست . در پيشانی آن کاشی هائي نصب

است که ابيات زير بروي آنها بخط ثلث نوشته شده است :

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه اى دل بر اخطا اينجا است

سرم به دینی و عقیقی فرونمی آید

تبارک الله از این فتنه ها که در سرماست

در اندر و من خسته دل ندانم کیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

دلم ز پرده برون شد ، کجایی ای مطرب

بنال هان که از این پرده کار مابنواست

مرا بکار جهان هرگز التفات نبود

رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

نخفته ام بخيالی که می پزم شبها

خمار صد شبه دارم شرابخانه کجاست

چنین که صو معه آلوده شد ز خون دلم

گرم بباده بشوئید حق بدست شماست

از آن بدیر مغانم عزیز می دارند

که آتشی که نمیرد همیشه در دل می است

چه ساز بود که بنواخت مطرب عشاق

که رفت عمر و هنوزم دماغ پر ز صداست

چنین که خرقه می آلوده ام من از مستنی

کجاست وقت عبادت چه جای ورد و دعا است

ندای عشق تو دو شم در اندر و من دادند

فضای سینه حافظ هنوز پرز صد است

تالار حافظیه – این تالار از ساختمان‌های کریمخان زند است که سابقاً قادر وسط ، تالاری با چهار ستون داشت و هر طرف آن تالار چهار اطاق بود ولی در تعمیرات اخیر اطاق‌ها را برداشته و تالار فعلی بطول ۵۶ متر و عرض ۸ متر با ۲۰ ستون سنگی یکپارچه به ارتفاع پنج ذرع بوجود آمده است .

طرفین تالار (در مشرق و غرب آن) دو اطاق ساخته شده که فعلاً "یکی دفتر حافظیه و دیگری اطاق سرایدار است .

در پیشانی این دو اطاق یکی دیگر از غزل‌های حافظ را بخط نستعلیق بروی سنگ مرمر نوشته و نصب گرده اند . نویسنده این خط مرحوم علی معارفی خطاط معروف شیرازی است که از روی نوشته عبد الصمد لله باشی مطابق خط میر عما د تقلید کرده است . این ابیات در مشرق تالار است :

روضه خلد برین خلوت در و یشان است

ما یه محتشمی ، خدمت درویشان است

قصر فردوس که رضوانش بدر بانی رفت

نظری از چمن نزهت درویشان است

دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال

بی تکلف بشنو دولت درویشان است

ابیات زیر در مغرب تالار است :

ای توانگر مفروشاًین همه نخوت که تورا  
 سرو زر در کنف همت در ویشان است  
 گنج قارون که فرومیرود از قهر هنوز  
 خوانده باشی که هم از همت در ویشان است  
 حافظ ار آب حیات ابدی میخواهی  
 منبعش خاک ره خلوت در ویشان است  
 در زیر اطاق غربی تالار، آب انبار معروف و کیلوی قرار  
 دارد که هنوز سالم است و سابقاً "از آب رکن آباد پرمیشده"  
 ولی اکنون از آب چاه عمیقی که خارج از حافظه حفر شده و متعلق  
 بشهرداری است پرمیشود و آب آن برای پر کردن حوضها و  
 آبدادن با غچه ها بکار میرود.

حیاط جنوبی - این حیاط که نسبت بکف تالار ۱۸ پله  
 (قریب ۴ متر گود تراست به ابعاد  $80 \times 150$  متر است.  
 در وسط این حیاط با غچه باریک بلوار مانندی است  
 بعرض ۴ متر که در آن چمن و گل کاشته میشود. طرفین این  
 بلوار دو خیابان بعرض ۴ متر است که برای ایاب و ذهاب —  
 اختصاص دارد.

آنگاه در طرف دو خیابان ها دو با غچه است، با بعد  
 $20 \times 45$  متر است که اطراف آنها سرو و کاج کاشته اند و صحن  
 با غچه ها چمن کاری شده است، در وسط هر یک از این دو با غچه

یک حوض مستطیلی با بعاد  $۴ \times ۳۲$  متر ساخته شده است.

فواره های سنگی و سنگهای لبه این دو حوض که بزرگ و تا کف حوض یکپارچه است ، لبه یکی از حوضهای با غناظر است که در مشرق عمارت کلاه فرنگی قرار داشت و از ساخته های کریمخانی بود و چون در سال ۱۳۱۵ شمسی هنگام امتداد خیابان کریمخان زند در مسیر آن قرار گرفت و خراب شد سنگهای آن در ساختن این دو حوض بکار برده شده . طرفین این دو با غچه خیابانی است بعرض ۴ متر که برای ایاب و ذهاب احداث کرده اند .

در مشرق و مغرب حیاط دو نارنجستان است که هر یک به ابعاد  $۳۵ \times ۲۰$  متر است و در هر یک تعدادی درخت نارنج کاشته اند و علاوه بر اینکه پیوسته سبز و خرم است ، در فصل بهار که غرق گل نارنج ( بهار نارنج ) میشود تمام فضای حافظه را معطر میسازند .

سه طرف این حیاط دیوار های آجری مرتفعی است منتها قسمتی از وسط دیوار جنوی را برداشته و نرده های آهنی نصب کرده اند و در وسط آن در ورودی به حافظه قرار دارد که با سه پله به خیابان گلستان متصل میشود ، در نتیجه از داخل تالار حافظه دورنمای زیبای شهر شیراز تا دامنه کوه قبله ، بخوبی دیده میشود .

در پیشانی جنو بی تالار ( رو بسمت در ورودی ) ابیات  
 زیر که بخط ثلث بروی کاشی نوشته شده است نصب گردیده  
 و در وسط آنها تار پخچه تعمیرات اخیر را بخط نستعلیق بر روی  
 کاشی نوشته شده و نصب کرده اند .  
 ابیات مزبور چنین است :

گلزاری ز گلستان جهان مارا بس  
 زین چمن سایه آن سرو روان مارا بس  
 من و هم صحبتی اهل ریاد ورم باد  
 از گرانان جهان رطل گران مارا بس  
 قصر فردوس بپاداش عمل می بخشدند  
 ماکه رندیم و گدا ، دیر مغان مارا بس  
 بنشین برلب جوی و گذر عمریه بین  
 کاین اشارت ز جهان گذاران مارا بس

\* \* \* \* \*

نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان  
 گر شمارانه بسا ین سود وزیان مارا بس  
 یار با ما مست چه حاجت که زیاد تطلبیم  
 دولت و صحبت آن مونس جان مارا بس  
 از در خویش خدارا به بهشت مفرست  
 که سر کوی توازکون و مکان مارا بس

حافظ از مشرب قسمت گله بی انصافی است  
طبع چون آب و غزلهای روان مارابس

\* \* \* \* \*

و اینک کتیبه مزبور :

ساختمان آرامگاه حافظ شیرازی بموجب امر اعلیحضرت —  
همايون شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی بدستور جناب آقای  
حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سنه یکهزار  
و سیصد و شانزده هجری شمسی انجام پذیرفت .

مقبره شعراء و دانشمندان — در مغرب حیاط شمالی  
حافظیه قطعه زمینی بود که مقبره عمومی بود و عده زیادی از  
معارف شیراز در آن مدفون بودند ، در سال ۱۳۴۸ شمسی  
بدستور وزارت فرهنگ و هنر اداره کل فرهنگ و هنر فارس آنرا  
تسطیح و دور آن را حصاری کشید . بطوریکه زمینی با بعاد —  
۲۰ × ۳۸ متر فراهم گردید و قرار شد که آنرا اختصاص بدن

شعراء و دانشمندان و بزرگان علم و ادب قرار دهد .

تعمیرات مجدد — در سال ۱۳۵۰ شمسی که قرار بود  
بمناسبت فرار رسیدن جشن های فرخنده دو هزار و پانصد مین  
سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران جشنهاشی در شیراز  
برگزار شود ، اداره کل فرهنگ و هنر فارس تعمیرات مفصلی  
در آرامگاه حافظ بعمل آورد و علاوه بر اینکه سنگ فرشهای صحن

و پلکان حافظیه را تعویض کردند . تعمیرات دیگری هم در آن بعمل آوردند و گلخانه مفصلی ایجاد کردند . با احداث باغچه‌های پرگل و چمن و تکمیل نارنجستان آن بر رونق و نزهت آن افزودند برای روشن کردن صحن آرامگاه و باغچه‌های چراگاهی — مخصوصی بانور مهتابی نصب شد که در شب جلوه و شکوه خاصی به حافظیه میدهد .

هم اکنون آرامگاه حافظ و کتابخانه حافظیه تو سط اداره کل فرهنگ و هنر فارس اداره میشود و از ساعت هفت بامداد تا هشت بعد از ظهر برای استفاده عمومی باز است و عموم طبقات از مناظر دل انگیز آن مخصوصاً "شبها استفاده مینمایند .

چایخانه — حیاط کوچکی که در زاویه شمال غربی حافظیه قرار داشت و اطاقهای آن بشکل مقبره مخصوصی درآمده بود از طرف اداره کل فرهنگ و هنر فارس بصورت اصلی و قدیمی خود و بسبک معماری زمان زنده درآورده شد تا بصورت چایخانه حافظیه درآید ، در اینجا زیارت‌کنندگان آرامگاه حافظ ضمن استراحت و نوشیدن چای از روح پاک حافظ همت میطلبند و از دیوان او تفائل میزنند .

حافظیه از نظر دیگران

”خوشترا آن باشد که ذکر دیگران“

”گفته آید در حد پیش دیگران ”

بسیاری از مورخین و سیاحان داخلی و خارجی که بشیراز آمده‌اند، شرحی درباره آرامگاه حافظ نوشته‌اند. این شروحات در ادوار مختلفه حافظیه را مجسم می‌کنند بقدری زیاد است که نقل آنها خود کتاب مستقلی را تشکیل میدهد.

## معروفترین این شروح عبارتداز :

- ۱- تاورینه - در سفرنامه خود که در سال ۱۰۷۶ هـ ق نوشته
  - ۲- فلاندن - " " " " " ۱۲۵۷
  - ۳- دیولاوفا - " " " " " ۱۲۹۹
  - ۴- حاج میرزا حسن - در فارسنامه ناصری " ۱۳۰۰
  - ۵- ادوارد بروون - در سفرنامه خود در سال ۱۳۰۵ " "
  - ۶- خان ملک ساسانی - در کتاب شاهد شیراز " ۱۳۱۰
  - ۷- فرصت الدوله - آثار عجم در سال ۱۳۵۴ هـ ق نوشته است

## بز رگانیکه در جوار حافظ خفته اند

” رواق منظر چشم من آشیانه توست ”

” کرم نما و فرود آکه خانه خانه توست ”

در خاک مصلی از قدیم الا یام گورستان مفصلی بوده است که اشخاص زیادی از طبقات مختلف مخصوصاً علماء و دانشمندان عرفاً و شعراء در آن مدفون شده اند .

در زمان سلطنت کریم خان زندر اثر ساختن حافظیه و احداث جاده جنو بی آن قبرستان مزبور بد و قسمت تقسیم گردید .  
۱— قسمت شمالی جاده شامل حافظیه و قبرستان عمومی و چهلتن .

۲— قسمت جنو بی آن بشكل قبرستان عمومی در آمد که تابعه شاه میرعلی بن حمزه امتداد داشت در سال ۱۳۱۰ شمسی جاده جنو بی حافظیه بشكل خیابانی در آمد که ابتدا آنرا خیابان خرابات و سپس خیابان گلستان نامیدند در این سال قبرستان جنو بی خیابان خرابات ( گلستان ) به با غملی تبدیل گردید .  
در عرض شصده سالی که از وفات حافظ میگذرد عدد زیادی از علماء و مجتهدین ، شعراء و عرفاء و بزرگان شیراز در حافظیه مدفون شده اند که همه دارای سنگ و کتیبه بوده اند ولی در تعمیراتیکه از سال ۱۳۱۴ شمسی ببعد در حافظیه صورت گرفته

تمامی آن سنگها که بسیاری از آنها هم پوسیده شده بود  
برداشته شد بطوریکه اکنون سنگ قبر عده بسیاری کم از آنها باقی  
است . اینک بمعرفی کسانیکه در حافظیه مدفو نند و قبور آنها  
علوم و سنگ قبر دارند میپردازیم :

اول - کسانیکه در صحن حیاط شمالی حافظیه ( اطراف مزار  
حافظ ) مدفو نند :

۱ - میرزا نصیر ملقب به فرصت الدوله ( ۱۲۷۱ - ۱۳۳۹ ه . ق )  
شاعر و دانشمند و مؤلف مشهور که چندین کتاب تألیف کرده که  
معروفتر از همه آثار عجم است و در شمال آرامگاه حافظ نزدیک به  
پلکان مزار حافظ مدفون میباشد و روی سنگ اعلاءه بر قطعهای که  
خود مرحوم فرصت الدوله حدیثی را نوشته و شعر یک گفته نقر  
شده ماده تاریخ او را که مرحوم شاعر الملک شیرازی سروده ،  
بدینسان نوشته شده است :

فرصت الدوله ، نصیر الدین ، فرصت

رفت و شد از رفتنش علم و ادب گم

سال تاریخش شاعر الملک گفتا

آه از فرصت نصیر الدین سیم

( مقصود از سه نصیر الدین عبارت از اول خواجه نصیر الدین طوسی )

( دوم - میرزا نصیر جد اعلای فرصت الدوله - سوم میرزا محمد )

( نصیر ملقب به فرصت الدوله " برای اطلاع از حالات میرزا نصیر )

( دوم و سوم رجوع شود به کتاب آثار عجم )

۲- شیخ محمد اهلی شاعر معروف و صاحب کتاب مشهور  
( سحر حلال ) که بلافاصله در شمال قبر فرصت الدوله مدفون  
 است .

( گویند اهلی ، هنگام نزع وصیت کرده است که او را پهلوی قبر  
 حافظ دفن کنند و این شعر را هم سروده است :

خاکم بروز واقعه پهلوی او کنید

او قبله من است ، رخم سوی او کنید

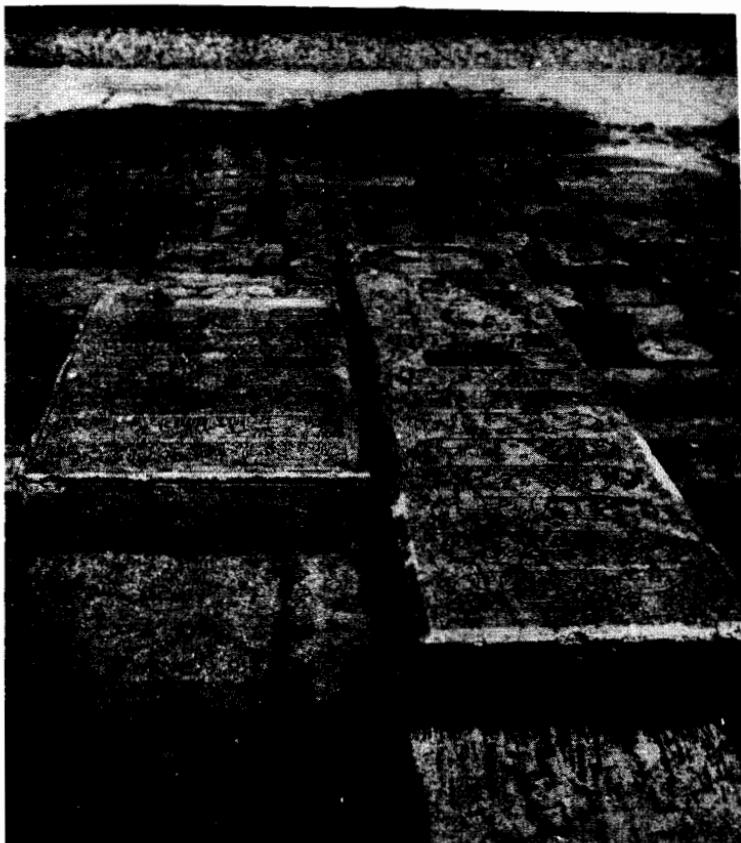
و چون متولی حافظیه اجازه نمیداد که او را در جوار قبر حافظ دفن  
 کنند ، از دیوان حافظ تفأل میزنند این شعر می‌آید :

ر واق منظر چشم من آشیانه توست

کرم نما و فرود آ که خاک ، خانه توست  
 از این رو او را در شمال قبر حافظ طوری دفن کردند که صورتش  
 بسوی قبر حافظ باشد .

روی سنگ قبر او پس از آیه ای از قرآن و یک رباعی ، این قطعه  
 نوشته شده است :

پیر با صدق و صفا بود اهلی	در میان فضلاء و شعراء
پیرو آل عبا بود اهلی	رفت و با مهرعلی از عالم
سال فوتش ز خرد جستم گفت	پادشاه شعرا بود اهلی
شیخ محمد اهلی شیرازی طاب ثراه بعمر هشتاد و چهار وفات	



مقبره مولانا اهلی شیرازی در جوار حافظ

یافت و در سنه ٩٤٢ هـ ( ق )

٣- قطب العارفین محمد هاشم ذهبي که از عرفای مشهور است  
چسبیده به پلاکانهای شمال مزار حافظ مدفون است . ( کتیبه  
سنگ او چنین است :

قد انقل من دارالفنی الى دارالباقي قطب العارفین آقا محمد  
هاشم الذهبي الشيرازي الملقب بالدرويش قدس سره سنه الف و  
مائه و تسعين و تسع من الهجره ١١٩٩ هـ ( ق و سیس یکی از  
غزلهای مولوی را نوشته اند . )

٤- قطب العارفین میرزا عبدالنبیا عارف معروف است که پائین  
پای حافظ چسبیده و به پلاکان مزار او مدفون است . ( و کتیبه  
سنگ او چنین است : قد انقل من دارالفنی الى دارالباقي  
قطب العارفین آقا میرزا عبدالنبیا الذهبي شيرازي الشريفي  
الحسيني قدس سره في سنه احدی و ثلاثين و مائين بعد الالف  
من الهجره ١٢٣١ )

٥- حاج ملا على سمنانی عالم و عارف که قریب شش متر در شمال  
قبر اهلی مدفون است . ( کتیبه سنگ قبر او چنین است :  
باغ فردوس بپاداش عمل می بخشد  
ماکه رندیم و گدا دیر مغان ما را بس  
العالم الربانی والعارف الصمدانی الحاج ملا على السمنانی  
روح الله روحه . )

۶- حاج شیخ مهدی کجوری که از مجتهدین برجسته و علمای معروف قرن اخیر شیراز است و در شمال حیاط روی سکوی جلو کتابخانه، مدفون است<sup>۰</sup> ( روی سنگ قبر او کتیبه مفصلی بخط ثلث عالی نوشته شده است . وفات آنمرحوم در سال - ۱۲۹۳ هجری قمری واقع شده است<sup>۰</sup> )

۷- حاج سید محمدعلی کازرونی که از اجله علماء و مجتهدین قرن اخیر شیراز است و در شمال حیاط روی سکوی جلو کتابخانه مدفون است<sup>۰</sup> ( روی سنگ قبر او کتیبه مفصلی بخط ثلث خوب نوشته شده است . وفات آنمرحوم در سال ۱۳۲۳ هجری قمری واقع گردید است<sup>۰</sup> )

۸- میرزا نظام الدین دستغیب - متوفی بسال ۱۳۰۳ هجری قمری که مردی دانشمند و شاعر بوده گویند چون خواستند مرقدش را در قبله حافظ حفر کنند بدیوان حافظ تفال زندنو این بیت آمد  
جان بشکرانه کنم صرف که آن دُریتیم

صف دیده حافظ شده آرامگارش  
ولذا او را نزد یک قبر حافظ دفن کردند ولی اکنون محل قبر او در حافظیه معلوم نیست )

دوم کسانیکه در اطراف صحن شمالي حافظیه مدفون هستند :

۹- مرحوم حسن آزاد معدلى شاعر متوفی بسال ۱۳۴۳ شمسی که در مقبره خانوادگی معدل مدفون است .

۱۰ - مرحوم حجۃ الاسلام سید علی مجتهد کازرونی متخلص به رحمت که از فحول علماء و حکماء اخیر شیراز است در سال ۱۳۴۲ هـ ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی علمای کازرونی مدفون است .

۱۱ - مقبره قاسم خان والی که اکنون محل کتابخانه حافظیه است .

مرحوم قاسم خان والی فارس این محل را برای مقبره خود اختیار کرد و چون در سال ۱۲۸۹ هـ ق وفات یافت او را در وسط عمارت مدفون ساختند و سنگ قبر او فعلًا زیر فرش کتابخانه است .

مرحوم قاسم خان والی مردی نیکوکار بوده است چنانکه در — فارسنامه ناصری نوشته شده است که :

..... قحط و غلا در عموم اجزای فارس شیوع داشته و قیمت یکمن گندم بوزن هفصد و بیست مثقال که آنرا نه عباسی ( پنج عباسی معادل یک ریال بوده است ) گویند بمبلغ ده ریال که مساوی دو مثقال و هفصد نخود نقره مسکوك است . رسید و جناب محمد قاسم خان والی مملکت فارس چندین گداخانه مهیا نمود که هر یکی گنجایش پنجاه شصت نفر گداداشت و شش گداخانه را خود متتحمل گشته و غذای گداهای آنها را میداد و چندین گداخانه دیگر در عهده بزرگان شیراز گذاشت و رفاه کلی برای گدايان حاصل آمد

فجزءه الله خيراً ۰ ۰ ۰ ۰ و در شب یازدهم محرم این سال  
 ۱۲۸۹ هجری قمری محمدقاسم خان والی و حکمران مملکت  
 فارس بعرض سبات درگذشت (صفحه ۳۳۱ جلد اول فارسنامه  
 ناصری) (سبات نام مرضی است و آن خواب طویل باشد —  
 چنانکه بد شواری بیدار شوند — فرهنگ آندراج)

شعرای معروف آندوره مانند : شعاع الملك و نقیب المالک  
 وغیره برای ماده تاریخ وفات او اشعاری ساختند که چهار تای  
 از آنها روی کاشی نوشته شده و در چهار زاویه مقبره او نصب  
 کردند و اکنون روی آنها گچ مالیده اند .

اینک برای نمونه یکی از آنها را در اینجا نقل میکنیم :

ای در یغا ساخت گیتی منکسف در زیر خاک

آفتتاب برج دولت گوهر دریای نور

میر باتبد بیسر قاسمخان والی شد به خلد

بامسیحا بر فلك شد با کلیم الله به طور

درجوار حافظ شیراز ، قطب العارفین

داد خیر الحافظینش جادرین خیر القبور

بر سرش استاد معماران ابوطالب نمود

ظرفه ایوانی بنائزی جنان دارد قصور

از پی تاریخ این ایوان نقیب الملك گفت

باشد این ایوان زوالی سالهادار السرور  
 ۱۲۸۹

- ۱۲ - در ضلع غربی حیاط شمالی عده ای مدفون اند که  
معروفتر از همه سالار چنگ شاعر معروف قرن اخیر شیراز است که  
در سال ۱۳۲۵ شمسی وفات یافته است .
- سوم کسانیکه در زمین پشت دیوار غربی حیاط شمالی حافظیه  
( مقبره الشعراً و دانشمندان ) مدفونند .
- ( بطوریکه قبلاً ) نوشتیم در این زمین عده زیادی از علماء و  
بزرگان و طبقات مختلفه شیراز مدفوند که هنگام تسطیح آن قبور  
آنها محو گردیده است .
- اشخاص معروفی که اکنون قبورشان معلوم است عبارتند از :
- ۱۳ - مرحوم شیخ عبدالجبار که از مجتهدین معروف شیراز بوده و  
در سال ۱۳۱۹ ه . ق وفات یافت .
- ۱۴ - شیخ محمد صادق مجتهد متوفی سال ۱۳۱۶ ه . ق .
- ۱۵ - حاج ملا محمد وحید مقتدا که در سال ۱۳۴۹ ه . ق فوت  
شده است .
- ۱۶ - مرحوم علی اکبر نخعی مشهور به افصح المتكلمين متوفی سال  
۱۳۴۵ ه . ق .
- ۱۷ - مرحوم شیخ محمد باقر مجتهد اصطهباناتی معروف به شهید  
رابع که در سال ۱۲۸۶ شمسی در راه مشروطیت شهید گردید .
- ۱۸ - مرحوم محمد کاظمی شیرازی - فرزند خلد آشیان شیخ محمد  
کاظم شیرازی مرجع تقلید شیعیان که مردی عالم و دانشمند و کتاب

دوست بود و بشرحی که در قسمت کتابخانه ذکر میشود کتابخانه نفیس خود را بکتابخانه حافظیه اهداء نمود— آنمرحوم در — اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ شمسی وفات یافت و در این زمین مدفن گردید .

۱۹— قبر مرحوم شیخ محمد تقی روانشاد معروف به فیلسوف که از دانشمندان و معلمین بر جسته فرهنگ فارس بود و در سال ۱۳۳۳ شمسی وفات یافت و تزدیک قبر پدرش مرحوم شهید رابع مدفن است .

۲۰— قبر مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر شاعر مشهور قرن اخیر شیرازی است و کتبه آن چنین است :

هو الباقي

گویند به اقصای جهان است دیاری  
کانجا نکند حسرت و اندوه گذاری

آنجانبود ظلمی و هرجاکه چنین است

فرخنده زمینی بود و نغزدیاری

خلقی همه ناکرده گناهند و بدیشان

هرگز زخطائی ننشسته است غباری

یک ناله برون نامده آنجا زگلوئی

ala ke z hajr glli az na hzari

نبود ستم و جور در آنجاکه گذارند

پیران جهان دیده بهر کار قراری

سر منزل عشق است ولی هجرسیه روز

تابسته دمی طرف گرفته است کناری

ای سرو خرامیده ترا جایگه آنجاست

زیرا که جهان چون تو ندیده استنگاری

من نیز بدنبال تو آیم که خوش آید

شوریده بهر کوی دویدن بی یاری

آنجا بنشینم و اگر بخت مدد گرد

ریزم برہت از گهر اشک نشانی

آرامگاه شاعر گرانمایه دکتر صورتگر فرزند میرزا آقا خان و نوه نقاش

تو اanalطفعلی خان متولد ۱۲۷۹ امتوفی مهرماه ۱۳۴۸

۲۱- مرحوم محمد خلیل رجائی از دانشمندان و معلمین فاضل

شیراز که در سال ۱۳۵۴ شمسی بر حمّت ایزدی پیوست ، در کنار

قبر مرحوم کاظمی مدفون گردید .

## کتابخانه حافظیه

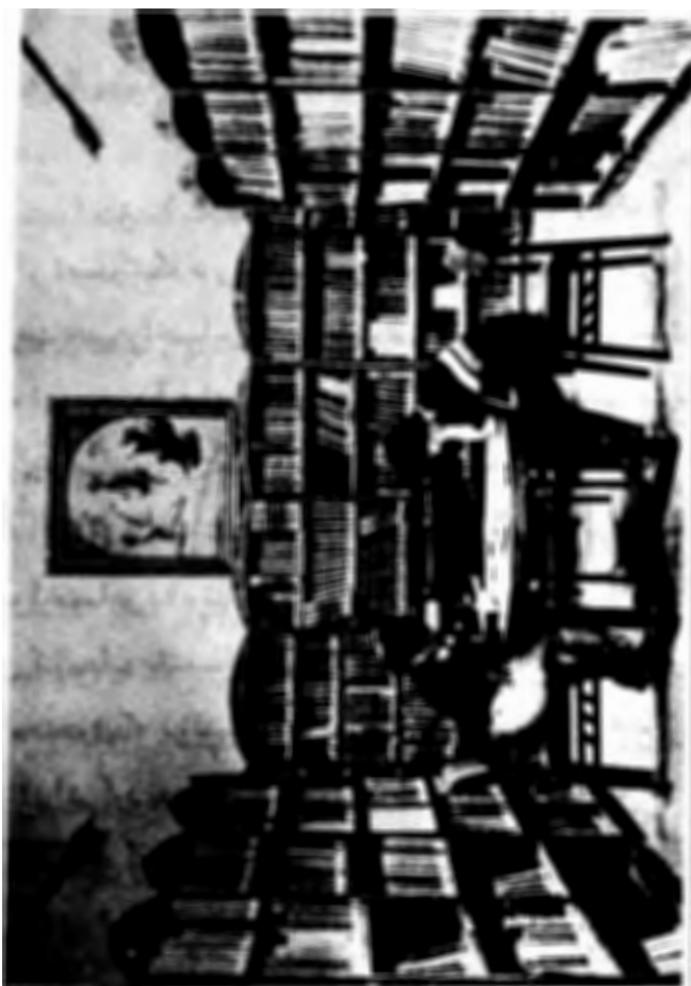
”در مکتب حقایق و پیش ادیب عشق“

”هان ای پسر بکوش که روزی پدرشوی“

بعد از تعمیراتیکه در سالهای ۱۳۱۶-۱۴ شمسی در حافظیه صورت گرفت چنین احساس شد که باید در جوار آرامگاه حافظ کتابخانه ای بوجود آید از این رو در سال ۱۳۲۹ شمسی بدستور اداره کل فرهنگ فارس تعدادی از کتب کتابخانه ملی فارس — بحافظیه انتقال داده شد و مقبره قاسم خان والی را برای محل کتابخانه اختصاص دادند .

این کتابخانه با تعداد کمی کتاب ارسالی اداره فرهنگ و — تعداد مختصری که دانشمندان و علاقه مندان به آن اهدا — نمودند . دائر گردید ولی تعداد کتب بقدری اندک بود که نمیشد نام آنرا کتابخانه گذاشت .

در سال ۱۳۴۶ شمسی که امور کتابخانه های کشور به وزارت فرهنگ و هنر واگذار شد کتابخانه های شیراز از آنجمله کتابخانه حافظیه نیز تحت نظر اداره کل فرهنگ و هنر فارس قرار گرفت و بتدریج تعدادی کتب برای آن تهیه گردید . در سال ۱۳۵۰ ه . ق دانشمند محترم و عالم بلند همت مرحوم آقای محمد کاظمی شیرازی ( فرزند مرحوم آیت الله شیخ محمد کاظم



قسمتی از کتابخانه حافظیه

شیرازی مجتبی و مرجع تقلید ) که علاقه وافری بکتاب داشتند و در سال‌های پیش کتابخانه معظمی را در منزل تشکیل داده بودند علو همت و بلند نظری عجیبی از خود بروز دادند و کلیه کتابهای کتابخانه خود را با قفسه‌ها و مبل و اثاثیه آن کتابخانه حافظیه اهداء فرمودند .

کتب اهدائی مرحوم کاظمی که مت加وز از پنج هزار جلد است شامل کتب فارسی و عربی و انگلیسی و روسی است در میان این کتب ، کتابهای بسیار نفیس و ارزشمند ای وجود دارد که علاوه بر بهای معنوی آنها ارزش مادی آنها نیز زیاد است .

در سال ۱۳۴۹ با نو دکتر صورتگر بمناسبت اینکه مرحوم دکتر صورتگر در جوار آرامگاه حافظ مدفن گردیده بود تعداد هفصد جلد کتاب آنمرحوم را به کتابخانه حافظیه اهداء گردند :

در نتیجه اکنون کتابخانه حافظیه با داشتن قریب هشتاد هزار جلد کتاب نفیس و با ارزش بصورت کتابخانه مهمی درآمده است که شاید در فارس کم نظیر باشد .

اداره کل فرهنگ و هنر فارس هم توجه خاصی نسبت به این کتابخانه مبذول داشته و با تعمیر عمارت مزبور و ساختن قفسه‌ها و تجهیز آن و همچنین خرید تعدادی کتاب بر رونق آن افزوده است و مرتباً هم با خرید کتب تازه در تکمیل آن میکوشد . هم اکنون کتابخانه حافظیه بعنوان یک کتابخانه عمومی تحت نظر نگارندۀ بروش

دیوئی و بشکل کتابخانه باز اداره میشود و کمک بزرگی به  
دانشجویان دانشگاه پهلوی و اهل مطالعه مینماید.

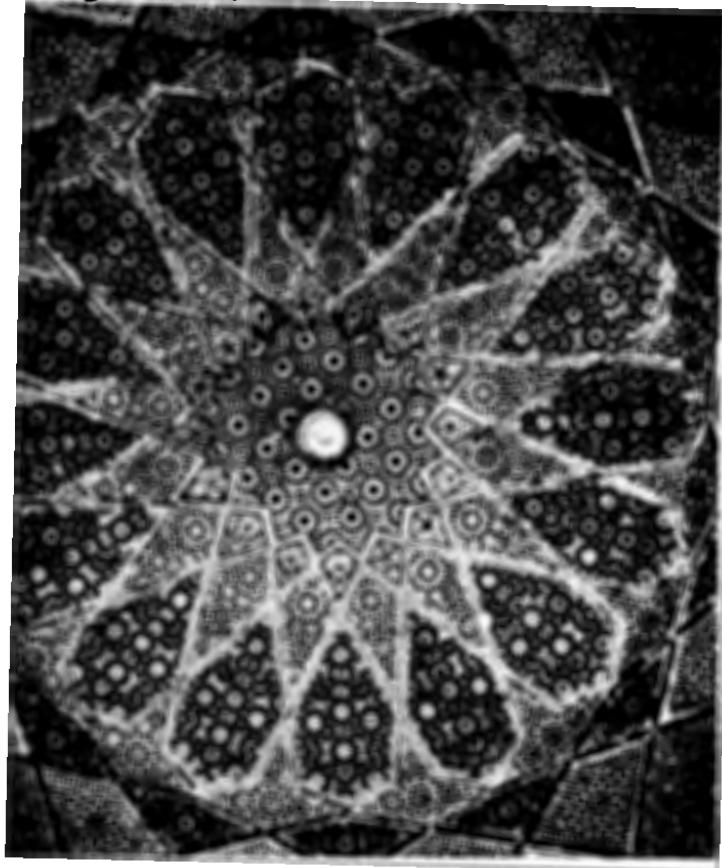
## مرکز حافظ شناسی

بنابر تصمیم اداره کل فرهنگ و هنر فارس در کتابخانه‌حافظیه مرکزی بوجود آمده تاهر چه ممکن باشد اسناد و مقالات و کتب راجع بحافظگردآوری و در آن نگهداری گردد تاهرکسی خواست در اطراف حافظ تحقیقاتی بنماید منابع کافی در دسترس او باشد بدین منظور اطاقی به "مرکز حافظ شناسی" اختصاص داده شده و در آن اسناد و مدارک زیرگردآوری شده است :

- ۱- چند دیوان خطی حافظ
- ۲- دیوانهای چاپی حافظ
- ۳- کتبی که درباره شرح حال و تفسیر و تحلیل اشعار حافظ تالیف شده است .
- ۴- ترجمه اشعار حافظ بزبانهای خارجی
- ۵- مجلات و نشریه‌های که مقالاتی راجع بحافظ در آنها چاپ شده است .
- ۶- رونوشتی از مقالات تحقیقی راجع به حافظ .
- ۷- عکسهایی از بعضی نسخ خطی دیوان حافظ
- ۸- صورت نسخ خطی و چاپی دیوان حافظ در کتابخانه‌های مهم دنیا .
- ۹- عکسهایی از ادوار تاریخی حافظیه .

۱- عکسی از حافظ و خطوط منسوب به حافظ.

پایان



کاشی کاری سقف آرامگاه حافظ